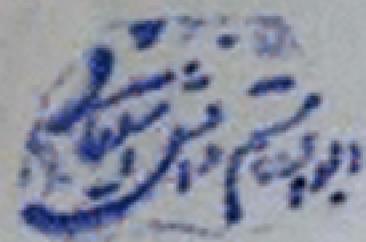


۱

بسمه تعالی

این جلد کتاب با یک جلد دیگر از طرف جناب آقای
حاج محمد حسین آقا اقبال بکتابخانه مبارکه مسجد اعظم قم
اهدا گردید و در ششم ربیع الاول ۱۳۸۰ ه.ق.
ثبت دفتر گردید



سرپرست کتابخانه مبارکه

۲

۵۲

وقف

چون کتاب مستطاب نه سپهر جدید البنیاد حضرت آیة الله بروجردی متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف

افتتاح گردید برای تیمن و تبرک و یادبود این حقیر نسخه ای از این کتاب [illegible]

مزبور با کمال افتخار اهدا [illegible] الاحقر حاج محمد حسین اقبال [illegible] اقبال

تاریخ ربیع الثانی ۱۳۷۹ هجری قمری

[illegible]

غره محرم الحرام ۱۳۸۰ هجری قمری

این کتاب مستطاب را [illegible] کتاب دعا [illegible]

[illegible] اقبال طهران [illegible]

[illegible] قم [illegible] ربیع الثانی ۱۳۷۹

[illegible]

[illegible]

[illegible] کتاب را [illegible]

[illegible]



دعای صنمی قریش

بعد از نماز بسم الله الرحمن الرحیم این دعا بخواند

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم صل علی محمد وآل محمد والعن

خداوندا رحمت بر محمد و آل محمد و لعن کن

صنمی قریش وجبتیها وطاغوتیها

آن دو بت قریش را و دو وحشی آنها را که ساکن اند که مخالفت کردند

وافکیهما وابنتیهما اللذین خالفا امرک

و منکر شده اند و دو فرزند ترا آنانکه مخالفت کردند امر ترا

وانکرا وحیک وجحدا انعامک و

وحی ترا و انکار کردند نعمتهای ترا

عصیا

عصیا رسولک وقلبا دینک وحرفا

آزردند رسول ترا و منقلب ساختند دین ترا و تغییر دادند

کتابک واحبا اعداءک وجحدا آلاءک

کتاب ترا و دوست شدند دشمنان ترا و انکار کردند نعمتهای ترا

وعطلا احکامک وابطلا فرائضک

و معطل کردند احکام ترا و باطل کردند واجبات ترا

والحدا فی آیاتک وعادیا اولیاءک و

و در آیات تو و دشمن شدند دوستان ترا و

والیا اعداءک وخربا بلادک وافسدا

و دوست شدند دشمنان ترا و خراب کردند ولایات ترا و گمراه کردند

عبادک اللهم العنهما واتباعهما

بندگان ترا خداوندا لعن کن آنها را و تابعین آنها را

واولیاءهما واشیاعهما ومحبیهما

و دوستان آنها را و پیروین آنها را و خواهان آنها را

فقد اخربا بیت النبوة وردما بابه ونقضا

پس بتحقیق که خراب کردند خانه پیغمبر را و ... درش را و شکستند

سقفه والحقا سماءه بارضه وعالیه

سقفش را و ... آسمانش را بزمین او و بلندیش را

بسافله وظاهره بباطنه واستاصلا

به پستی و ظاهر او را بباطن و ...

أَهْلَهُ وَأَبَادُوا أَنْصَارَهُ وَقَتَلُوا أَطْفَالَهُ

اهل آنرا و هلاک کردند یاران اورا و کشتند طفلهای اورا

وَأَخْلَيَا مِنْبَرَهُ مِنْ وَصِيِّهِ وَوَارِثِ

و خالی کردند نعمت اورا از وصی او و وارث

عِلْمِهِ وَجَحَدَا إِمَامَتَهُ وَأَشْرَكَا بِرَبِّهِمَا

علم او و منکر شده اند امامت اورا و شریک قرار داده اند بخدا

فَعَظِّمْ ذَنْبَهُمَا وَخَلِّدْهُمَا فِي سَقَرَ وَ

پس بزرگ بگردان گناه آنرا و جاوید بگردان آنهارا در جهنم و

مَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ

چه چیز ادراک کرده اند که چیست جهنم باقی نمیت و نه هم

اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ مُنْكَرٍ أَتَوْهُ

خداوندا لعن کن ایشانرا بعدد هر منکر او

وَحَقٍّ أَخْفَوْهُ وَمِنْبَرٍ عَلَوْهُ وَمُؤْمِنٍ أَرْجَوْهُ

و حقی که مخفی داشته اند و منبری که بالا رفته و مومنی که امید داشت

وَمُنَافِقٍ وَلَّوْهُ وَوَلِيٍّ آذَوْهُ وَطَرِيدٍ آوَوْهُ

و منافقی که دوست شده اند و دوستی که اذیت کرده اند

وَصَادِقٍ طَرَدُوهُ وَكَافِرٍ نَصَرُوهُ وَ

و راستگوینده که آواره کرده اند و کافری که یاری کرده اند و

إِمَامٍ قَهَرُوهُ وَفَرْضٍ غَيَّرُوهُ وَأَثَرٍ

امامی که ارزش شده اند و واجبی که تغییر داده اند و اثری که

أَنْكَرُوهُ وَشَرٍّ آثَرُوهُ وَدَمٍ أَرَاقُوهُ وَ

منکر شده اند و شری که بعمل آورده اند و خونی که ریخته اند و

خَبَرٍ بَدَّلُوهُ وَكُفْرٍ نَصَبُوهُ وَإِرْثٍ غَصَبُوهُ

خبری که بدل کرده اند و کفری که محکم کرده اند و ارثی که غضب کرده اند

وَفَيْءٍ اقْتَطَعُوهُ وَسُحْتٍ أَكَلُوهُ وَخُمْسٍ

بریده اند و مالی که خورده اند و خمسی که

اسْتَحَلُّوهُ وَبَاطِلٍ أَسَّسُوهُ وَجَوْرٍ

حلال دانسته اند و باطلی که بنا نهاده اند و ستمی که

بَسَطُوهُ وَنِفَاقٍ أَسَرُّوهُ وَغَدْرٍ أَضْمَرُوهُ

کرده اند و نفاقی که شایع کرده اند و غدری که افشا کرده اند

وَظُلْمٍ نَشَرُوهُ وَوَعْدٍ أَخْلَفُوهُ وَأَمَانٍ

و ستمی که افشا کرده اند و وعده که خلاف کرده اند و امانی که

خَانُوهُ وَعَهْدٍ نَقَضُوهُ وَحَلَالٍ حَرَّمُوهُ

خیانت کرده اند و عهدی که شکسته شد و حلالی که حرام کرده اند

وَحَرَامٍ وَبَطْنٍ فَتَقُوهُ وَضِلْعٍ دَقُّوهُ وَ

و حرامی که حلال کرده اند و ضلعی که دقت کرده اند و

صَكٍّ مَزَّقُوهُ وَجَنِينٍ أَسْقَطُوهُ وَشَمْلٍ

[illegible] که شکست کردند و از نطفه که سقط شده است و جمعی که

بَدَّدُوهُ وَعَزِيزٍ أَذَلُّوهُ وَذَلِيلٍ أَعَزُّوهُ

متفرق شده و عزیزی که ذلیل شده و ذلیلی که عزیز شده

وحق منعوه وكذب دلسوه وحكم قلبوه
وحقي كه منع كرده اند ودروغي كه مشتبه ساخته اند وحكمي كه تبديل داده اند
اللهم العنهم بكل آية حرفوها وفريضة
خداوندا لعنت كن ايشانرا بهر آيه كه تغيير داده اند وواجبي كه
تركوها وسنة غيروها ورسوم منعوها
ترك كرده اند وسنتي كه تغيير داده اند ورسومي كه منع كرده اند
واحكام عطلوها وبيعة نكثوها و
وحكمهائي كه معطل كرده اند وبيعتي كه شكستند و
دعوى ابطلوها وبينة انكروها
ودعوائي كه باطل كردند وشاهدي كه منكر شدند
وحيلة احدثوها وخيانة اوردوها
ومكرهائي كه حادث كرده اند وخيانتها كه وارد آوردند
وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها
وپستي كه بلند كردند اورا وحقهائي كه از جا كندند اورا
وازباق لزموها وشهادات كتموها
وخلافها كه وارد آوردند اورا وشهادتهائي كه كتمان كردند
ووصية ضيعوها اللهم العنهما
ووصيتي كه ضايع كردند خداوندا لعنت كن آنهارا
في مكنون السر وظاهر العلانية
در پوشيده نهان و آشكار آشكار

لعنا

لعنا كثيرا ابدا دائما سرمدا لا انقطاع
لعن بسيار ابد الآباد هميشه كه قطع نشود
لامده ولا نفاد لعدده لعنا يغدو
در محفلهاي پوشيده بروزي معلوم لعن كن فردا
اوله ويروح آخره لهم ولاعوانهم
اول ورا وآخر ورا مرايشانرا ومر ياوران ايشانرا
وانصارهم ومحبيهم ومواليهم و
وياري كننده وپادشاهاي آنها ودوستان آنها و
المسلمين لهم والمائلين اليهم و
مسلمانان مرايشانرا ومايلين بايشان و
الناهضين باحتجاجهم والمقتدين
اعتقاد كنندگان بدليلهاي ايشان ومقتديين
بكلامهم والمصدقين باحكامهم
بكلام آنها وقبول كنندگان حكمهاي آنها
اللهم عذبهم عذابا يستغيث منه
خداوندا عذاب كن ايشانرا عذابي كه پناه ميجويند ازآن
اهل النار آمين رب العالمين
اهل آتش اجابت كن اي پروردگار عالميان
ابتدا بسم الله الرحمن الرحيم بخوانند
بنام خداي بخشاينده مهربان

اَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَظيمَ الْجَليلَ نَفْسي
پناه میبرم خدای بزرگ بزرگ جان من
وَاَهْلي وَمالي وَوَلَدي وَمَنْ
واهل من و مال من و فرزند من و کسی که
يَعْنيني اَمْرُهُ وَاَسْتَوْدِعُ اللهَ الْمَرْهُوبَ
قصد میکند مرا امر او و پناه میبرم خدارا از شدتهائی که
الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ نَفْسي
آشکار است مر بزرگی او هر چیزی جان من
وَاَهْلي وَمالي وَوَلَدي وَمَنْ يَعْنيني
واهل من و مال من و فرزند من و کسی که قصد میکند مرا

سند دعای کمیل ابن زیاد

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتي
خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا برحمت تو که
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتي قَهَرْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ
وسعت داده هر چیزرا و بتوانائی تو که قهر کرده بآن هر چیزرا
وَخَضَعَ لَها كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَها كُلُّ شَيْءٍ
و خاضع و شکسته گردیده مر آنرا هر چیزی و خوار و ذلیل شده مر آنرا هر چیزی

وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتي غَلَبْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ
و ببزرگواری تو که غالب گردیده بآن هر چیزی
وَبِعِزَّتِكَ الَّتي لا يَقُومُ لَها شَيْءٌ وَ
و بعزت تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و
بِعَظَمَتِكَ الَّتي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ
بعظمت و بزرگی تو که پر کرده است هر چیزرا و
بِسُلْطانِكَ الَّذي عَلا كُلَّ شَيْءٍ وَ
بپادشاهی تو که برتر است هر چیزرا و
بِوَجْهِكَ الْباقي بَعْدَ فَناءِ كُلِّ شَيْءٍ
بذات مقدس تو که باقیست بعد از فانی شدن هر چیزرا
وَبِاَسْمائِكَ الَّتي مَلَأَتْ اَرْكانَ كُلِّ
و بنامهای تو که پر کرده است اجزا و ارکان هر
شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذي اَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ
چیزی و بدانائی تو که فرا گرفته بهر چیزی
وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي اَضاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ
و بروشنی ذات مقدس تو که روشن شده مر او را هر چیزی
يا نُورُ يا قُدُّوسُ يا اَوَّلَ الْاَوَّلينَ وَ
ای هویدا ای بسیار منزه ای پیشتر از پیشینیان و
يا آخِرَ الْآخِرينَ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
ای پستر از پسینان خداوندا بیامرز مرا گناهانیرا

التي تهتك العصم اللهم اغفر لي
که میدرد پرده عصمت را خداوندا بیامرز مرا
الذنوب التي تنزل النقم اللهم
گناهانرا که فرود می آورد عذابهارا خداوندا
اغفر لي الذنوب التي تغير النعم
بیامرز برای من گناهانرا که تغیر میدهد نعمتهارا
اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس
خداوندا بیامرز مرا گناهانرا که حبس میکند
الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي
دعارا خداوندا بیامرز برای من گناهانرا که
تنزل البلاء اللهم اغفر لي الذنوب
نازل میگرداند بلارا خداوندا بیامرز مرا گناهانرا
التي تقطع الرجاء اللهم اغفر لي
که قطع میکند امیدرا خداوندا بیامرز مرا
كل ذنب اذنبته وكل خطيئة
هر گناه که بنادانی کرده‌ام آنرا و هر خطائی که
اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك
بنادانی بجا آورده‌ام آنرا خداوندا بدرستی که تقرب میجویم بتو
بذكرك واستشفع بك الى نفسك و
بیاد کردن تو و شفیع میگردانم ترا بسوی ذات تو و

اسئلك

اسئلك
بجودك ان تدنيني من
قربك وان توزعني شكرك وان
تلهمني ذكرك اللهم اني اسئلك سؤال
خاضع متذلل خاشع متضرع ان تسامحني و
ترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي
جميع الاحوال متواضعا اللهم واسئلك
سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك عند
الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته
اللهم عظم سلطانك وعلا
مكانك وخفي مكرك
وظهر

أَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ
امر تو و غالبست قهر تو و جاریست قدرت تو
وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اللّٰهُمَّ
و ممکن نیست گریختن از حکومت تو خداوندا
لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا
نمی یابم برای گناهان آمرزنده و نه برای قبایح خود پوشنده
وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ
و نه برای چیزی از عمل قبیح من بعمل نیک
مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
بدل کننده بجز تو نیست خدای مگر تو پاکی تو
وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ
و بحمد تو مشغولم ستم کردم بنفس خود را و بسیار جرأت کردم
بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي
بنادانی خود و اعتماد کردم بر آنکه پیوسته یاد کردی مرا
وَمَنِّكَ عَلَيَّ اللّٰهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ
و انعام کردی بر من خداوندا مولای من چه بسیار از
قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ
قبیح که پوشانیدی و چه بسیار گران از
الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ
بلاها که زایل گردانیدی و چه بسیار از لغزشها که نگاه داشتی از آن

وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ
دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ
لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ اللّٰهُمَّ عَظُمَ
بَلَائِي وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَقَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي
وَقَعَدَتْ بِي أَغْلَالِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ
آمَالِي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي
بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ
أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي
وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي
وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ
فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي

ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة
ودوام بودن تقصير خود ونادانى خود وبسيارى
شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك
شهوتهاى خود وغفلت خود وباش خداوندا بعزت خود
لي في الاحوال كلها رؤفا وعلي
براى من در احوال همه مهربان وبر من
في جميع الامور عطوفا الهي وربي من
در همه امور مهربان خداوندا وپروردگار من كيست
لي غيرك اسئله كشف ضري و
مرا غير تو سوال ميكنم ترا كشودن بدحالى خود و
النظر في امري الهي ومولاي اجريت
نظر كردن در كار خود الهى من وآقاى من جارى ساختى
علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي و
بر من حكمى كه پيروى كردم در آن خواهش نفس خود را و
لم احترس فيه من تزيين عدوي
نگاه نداشتم در آن حكم از زينت دادن دشمن خود را
فغرني بما اهوى واسعده على ذلك
پس فريب داد مرا بانچه خواست ويارى كرد او را بر آن امر
القضاء فتجاوزت بما جرى علي من
قضاى خدا پس در گذشتم بانچه جارى شد بر من از

ذلك بعض حدودك وخالفت بعض
قضا پاره حدهاى ترا ومخالفت كردم پاره
اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك
امرهاى ترا پس مر تراست حمد برمن در همه اين احوال
و
لا حجة لي فيما جرى
علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك
وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي
على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا
مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا
لا اجد مفرا مما كان
مني و
لا مفزعا اتوجه اليه في امري غير
نه پناهى كه توجه كنم بآن در كار خود بغير
قبولك عذري وادخالك اياي في سعة
قبول تو عذر مرا وداخل كردن تو مرا در كشادگى

من رحمتك اللهم فاقبل عذري و

از رحمت تو خداوندا پس بتوان کن عذر مرا و

ارحم شدة ضري وفكني من شد

رحم کن شدت بد حالی مرا و رها کن مرا از بستن بندهای

يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي

ای پروردگار من رحم کن ضعف بدن مرا و تنکی پوست مرا

ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري

و باریکی استخوان مرا ای کسی که ابتدا کرد آفریدن مرا و یاد کردن مرا

وتربيتي وبري وتغذيتي هبني

و تربیت کردن و نیکویی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا

لابتداء كرمك وسالف برك بي

برای ابتدا کردن کرم خود و برای نیکویی که بمن کرده

يا الهي وسيدي وربي أتراك معذبي

ای خداوند من و آقای من و پروردگار من آیا می بینی مرا که عذاب کننده

بنارك بعد توحيدك وبعد ما

باتش خود بعد از اقرار من بیگانگی خود و بعد از آنچه

انطوى عليه قلبي من معرفتك و

پیچیده شده بر آن دل من از شناخت تو و

لهج به لساني من ذكرك واعتقده

گویا شده بآن زبان من و محکم داشت آنرا

ضميري من حبك وبعد صدق

دل من از محبت تو و بعد از راستی

اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك

اعتراف من بگناه خود و دعا کردن مرا از روی خضوع برای پروردگاری تو

هيهات انت اكرم من ان تضيع من

دور است آن تو کریمتری از آنکه ضایع گردانی کسی را که

ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد

تربیت کرده او را یا دور گردانی کسی را که نزدیک گردانیده او را یا برانی

من آويته او تسلم الى البلاء من

کسی را که جا داده او را یا واگذاری ببلا کسی را که

كفيته و

رحمته وليت شعري

يا سيدي والهي ومولاي أتسلط

النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة و

على ألسن نطقت بتوحيدك صادقة

وبشكرك مادحة

وعلى قلوب اعترفت بالهيتك

و بر دلهائی که اعتراف کرده‌اند بخدائی تو

محققة وعلى ضمائر حوت من العلم

از روی یقین و بر خاطرها که احاطه کرده‌اند از دانائی

بك حتى صارت خاشعة وعلى

تو تا آنکه گردیده‌اند با خشوع و بر

جوارح سعت الى اوطان تعبدك

عضوهای چند که سعی کرده‌اند بسوی محلهای عبادت تو

طائعة واشارت باستغفارك

بطوع و رغبت و اشاره کرده‌اند بطلب آمرزش تو

مذعنة

ما هكذا الظن بك ولا

اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب

وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا و

عقوباتها وما يجري فيها من

المكاره على اهلها

على

ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه

آنکه این بلا و ناخوشی است که اندک است ماندن آن

يسير بقاؤه قصير مدته فكيف

و کم است بقای آن و کوتاه است مدت آن پس چگونه باشد

احتمالي لبلاء الآخرة وحلول وقوع

تاب آوردن من بلای آخرت را و فرود آمدن و واقع شدن

المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته

ناخوشیها که در آن میباشد و حال آنکه آن بلاییست طولانی مدت آن

ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله

و دائم است اقامت آن و سبک نمیشود از اهل آن

لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك

زیرا که نمیباشد مگر از [illegible] تو

وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات

و خشم تو و چنین [illegible] نمیتوانند ایستاد [illegible] آسمانها

والارض يا سيدي فكيف بي وانا

و زمین ای آقای من پس چگونه تاب آورم و حال آنکه من

عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين

بنده توام ناتوان و خوار بیمقدار و شکسته

المستكين يا الهي وربي وسيدي

و تسلی کننده الهی من و پروردگار من و آقای من

ومولاي

لأي الأمور إليك أشكو

ولما منها أضج وأبكي لأليم العذاب

وشدته أم لطول البلاء ومدته فلئن

صيرتني للعقوبات مع أعدائك وجمعت

بيني وبين أهل بلائك وفرقت بيني

وبين أحبائك وأوليائك فهبني يا إلهي

سيدي ومولاي وربي صبرت على

عذابك فكيف أصبر على فراقك وهبني

صبرت على حر نارك فكيف

أصبر عن النظر إلى

كرامتك

أم كيف أسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي

ومولاي أقسم صادقا لئن تركتني ناطقا

لأضجن إليك بين أهلها ضجيج الآملين

ولأصرخن إليك صراخ المستصرخين

ولأبكين عليك بكاء الفاقدين ولأنادينك

أين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين

يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب

الصادقين ويا إله العالمين أفتراك

سبحانك يا إلهي وبحمدك

تسمع فيها

صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته
صدای بنده مسلمانی که در زندان کرده باشند بسبب مخالفت تو
وذاق طعم عذابها بمعصيته و
و چشیده باشد مزه عذاب آنرا بنافرمانی خود و
حبس بين اطباقها بجرمه وجريرته
بند کرده باشند او را میان طبقات جهنم بجرم او و خیانت او
وهو يضج اليك ضجيج مؤمل
و او خروش کند بسوی تو خروشیدن کسی که امید وار
لرحمتك ويناديك بلسان اهل
رحمت توست و ندا کند ترا بزبان اهل
توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك
یگانه پرستان ترا و توسل جوید بسوی تو بپروردگاری تو
يا مولاي فكيف يبقى في العذاب
ای آقای من پس چگونه باقی ماند در عذاب
وهو يرجو ما سلف من حلمك و
و حال آنکه او امید دارد آنچه را پیش دیده از بردباری تو و
رأفتك ورحمتك ام كيف تؤلمه
مهربانی تو و رحمت تو یا چگونه درد آورد او را
النار وهو يأمل فضلك ورحمتك
آتش و او امید دارد فضل ترا و رحمت ترا

ام

ام كيف يحرقه لهبها وانت تسمع صوته
یا چگونه بسوزاند او را زبانه آتش و تو میشنوی صدای او را
وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه
و می بینی جای او را یا چگونه مشتمل شده بر او
زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف
زبانهای صاحب صدای او و تو میدانی ناتوانی او را یا چگونه
يتغلغل بين اطباقها وانت تعلم صدقه
مضطرب باشد در میان طبقات جهنم و تو دانی راستگوئی او را
ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك
یا چگونه زجر نماید او را زبانیه جهنم و او ندا کند ترا
يا ربه ام كيف يرجو فضلك في عتقه
ای پروردگار من یا چگونه امیدوار باشد فضل و رحمت ترا در آزاد کردن او
منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك
از جهنم پس گذاری او را در آن دور است این سخن نیست
الظن بك ولا المعروف من فضلك
گمان بتو و نه شناخته شده است از فضل تو
ولا مشبه لما عاملت به الموحدين
و نه شبیه است بآنچه معامله کرده بآن یگانه پرستان
من برك واحسانك فباليقين اقطع
از نیکی تو و احسان تو پس بیقین جزم دارم

لولا ما حكمت به من تعذيب
اگر نه آن بود که حکم کرده بآن که عذاب کنی
جاحديك وقضيت به من اخلاد
منکران خداوندی خود را و مقرر گردانیده که در جهنم بداری
معانديك لجعلت النار كلها بردا
معاندان خود را هر آینه میگردانیدی آتش را همه سرد
وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا
و سلامت و نبود احدیرا در آن قراری
ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك
و نه جائی اقامتی لیکن تو که مقدس است نامهای تو
اقسمت ان تملأها من الكافرين من
قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از
الجنة والناس اجمعين وان تخلد
جنیان و آدمیان همه و آنکه همیشه بداری
فيها المعاندين وانت جل ثناؤك
در جهنم معاندانرا و تو که بزرگست ستایش تو
قلت مبتدئا وتطولت بالانعام
گفته ابتدا کننده و بخشش کرده بنعمت دادن
متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان
کرم کننده آیا کسی که بود مومن مانند کسی بود

فاسقا

فاسقا لا
يستوون الهي وسيدي
فاسئلك بالقدرة التي قدرتها
وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت
من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة
وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب
اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته
كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل
سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين
الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني
وجعلتهم شهودا علي مع

جوارحي وكنت انت الرقيب علي من

اعضای من و بودی تو مطلع بر من

ورائهم والشاهد لما خفي عنهم و

بغیر ایشان و گواه برآنچه پنهان است از ایشان و

برحمتك اخفيته وبفضلك سترته

برحمت خود پنهان کرده او را و بفضل خود پوشانیدی آنرا

وان توفر حظي من كل خير انزلته او

و آنکه وافر گردانی بهره مرا از هر نیکی که فرو فرستادی او را یا

احسان تفضله او بر نشرته او رزق

احسانی که تفضل نمائی آنرا یا نیکی که پهن کنی آنرا یا روزی که

تبسطه او ذنب تغفره او خطاء تستره

گشایش دهی آنرا یا گناهی که بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشانی آنرا

يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي

ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من و آقای من

ومولاي ومالك رقي يا من بيده

و مولای من و مالک بندگی من ای آنکه بدست اوست

ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي

موی پیش سر من ای دانا بهر حال من و بیچارگی من

يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب

ای مطلع بر فقر من و احتیاج من ای پروردگار من

يا رب يا رب

اسئلك بحقك وقدسك و

اعظم صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي

في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة

واعمالي عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي

كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا

يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي

يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد

على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام

في الاتصال بخدمتك حتى اسرح

اليك في ميادين السابقين

الیک

وَاُسْرِعَ اِلَیْکَ فِی الْمُبَادِرِیْنَ وَاَشْتَاقَ
و شتاب روم … پیشروان و مشتاق گردم
اِلٰی قُرْبِکَ فِی الْمُشْتَاقِیْنَ وَاَدْنُوَ مِنْکَ
بسوی قرب تو در میان مشتاقان و نزدیک شوم بتو
دُنُوَّ الْمُخْلِصِیْنَ وَاَخَافَکَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِیْنَ
نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین
وَاَجْتَمِعَ فِیْ جِوَارِکَ مَعَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَللّٰهُمَّ
و گرد آیم در همسایگی قرب تو با مؤمنان خداوندا
وَمَنْ اَرَادَنِیْ بِسُوْءٍ فَاَرِدْهُ وَمَنْ کَادَنِیْ
و هر که اراده کند مرا به بدی پس اراده کن او را و هر که مکر کند با من
فَکِدْهُ وَاجْعَلْنِیْ مِنْ اَحْسَنِ عِبَادِکَ
پس مکر کن او را و بگردان مرا از نیکی بندگان تو
نَصِیْبًا عِنْدَکَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْکَ
بهره نزد تو و نزدیکترین ایشان در منزلت از تو
وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَیْکَ فَاِنَّهُ لَا یُنَالُ
و مخصوص ترین ایشان در قرب نزد تو زیرا که نمیتوان رسید
ذٰلِکَ اِلَّا بِفَضْلِکَ وَجُدْ لِیْ بِجُوْدِکَ
این مگر بفضل تو و بخشش کن برای من بجود خود
وَاعْطِفْ عَلَیَّ بِمَجْدِکَ وَاحْفَظْنِیْ
و مهربانی کن بر من بزرگواری خود و نگاهدار مرا

برحمتک

بِرَحْمَتِکَ وَ
اجْعَلْ لِسَانِیْ بِذِکْرِکَ لَهِجًا
وَقَلْبِیْ بِحُبِّکَ مُتَیَّمًا وَمُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ اِجَابَتِکَ
وَاَقِلْنِیْ عَثْرَتِیْ وَاغْفِرْ زَلَّتِیْ فَاِنَّکَ قَضَیْتَ
عَلٰی عِبَادِکَ بِعِبَادَتِکَ وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِکَ وَ
ضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ فَاِلَیْکَ یَا رَبِّ نَصَبْتُ
وَجْهِیْ وَاِلَیْکَ یَا رَبِّ مَدَدْتُ یَدِیْ فَبِعِزَّتِکَ
اسْتَجِبْ لِیْ دُعَائِیْ وَبَلِّغْنِیْ مُنَایَ وَلَا تَقْطَعْ
مِنْ فَضْلِکَ رَجَائِیْ وَاکْفِنِیْ شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
مِنْ اَعْدَائِیْ یَا سَرِیْعَ الرِّضَا اغْفِرْ
لِمَنْ لَا یَمْلِکُ اِلَّا
الدُّعَاءَ

فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء
پس تو کننده مر آنچه را خواهی ای آنکه نام او دوای درد است
وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من
و ذکر او شفای بیماریهاست و فرمانبرداری او بی نیازی رحم کن کسی را که
راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء
سرمایه اش امید است و حربه اش گریه است
يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور
ای صاحب نعمت کامل ای دفع کننده عذابها ای روشنائی
المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم
وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی
صل على محمد وال محمد وافعل
رحمت بر محمد و آل محمد و بکن
بي ما انت اهله وصلى الله على رسوله
بمن آنچه تو سزاوار آنی و رحمت خدا بر رسول او
والائمة الميامين من اله وسلم
و پیشوایان صاحب میمنت که از آل او یند و سلام فرستاده
تسليما [illegible] كثيرا
سلامی فراوان بسیار
اللهم اني اسئلك باسمك المكنون
خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو که پوشیده است

المخزون

المخزون الطاهر الطهر المبارك واسئلك
مخزون پاک پاکیزه با برکت و سوال میکنم ترا
باسمك العظيم وسلطانك القديم
بنام تو که بزرگست و پادشاهی تو دیرینه است
يا واهب العطايا يا مطلق الاسارى
ای بخشنده عطاها ای رها کننده اسیران
يا فكاك الرقاب من النار صل على محمد
ای خلاص کننده گردنها از آتش رحمت بر محمد
وال محمد وفك رقبتي من النار واخرجني
و آل محمد و رها کن گردن مرا از آتش و بیرون کن مرا
من الدنيا امنا وادخلني الجنة سالما
از دنیا ایمن و درآور مرا بهشت سالم
واجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه
و بگردان دعای مرا اول ... و میان آن
نجاحا واخره صلاحا انك انت علام
رستگاری و آخر آن صلاح که تو توئی داننده
[illegible] العيوب [illegible]
عیبها
استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي
طلب آمرزش میکنم از خدا که نیست خدائی مگر او زنده

القیوم ذا الجلال والاکرام واسئله
پاینده خداوند جلال واکرام وسؤال میکنم ترا
ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع
که بپذیرد برمن توبه بنده ذلیل باخضوع
فقیر بائس مسکین مستکین مستجیر لا
فقیر مسکین زنهار جوینده
یملک لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا
که نیست مر نفس را نفعی ونه زیانی ونه مردنی
ولا حیوة این دعا در وقت ولا نشورا
ونه زندگی ونه نشور
دیدن ماه نو بسم الله الرحمن الرحیم بخواند
محمد علی [illegible] الحسن الحسین علی محمد
بحق محمد بحق علی بحق فاطمه بحق حسن وحسین بحق علی ومحمد
جعفر موسی علی محمد علی حسن مهدی
بحق جعفر وموسی بحق علی ومحمد بحق علی وحسن ومهدی
علیهم الصلوة والسلام لیکن بگوید
برایشان باد درود وسلام
اللهم ان الناس اذا نظروا الی الهلال
خداوندا بدرستی که مردمان چون نظر کنند بسوی هلال

نظر بعضهم الی وجوه بعض وتبرک
نظر بعضی ایشان بسوی روی بعضی وتبرک
بعضهم ببعض وانی نظرت الی اسمائک
بعضی ایشان ببعضی وبدرستی که نظر کردم بسوی نامهای تو
واسم نبیک وولیک واولیائک علیهم
ونام پیغمبر تو ودوست تو ودوستان تو بر ایشان باد
السلام والی کتابک فاعطنی کل الذی
درود وبسوی کتاب تو پس عطا کن مرا هر آنچه
احب من الخیر واصرف عنی کل ما
دوست داری از نیکیها وبگردان از من هر آنچه
احب ان تصرفه من الشر وزدنی
دوست داری که بگردانی اورا از گزند وافزونی ده مرا
من فضلک ما انت [illegible] حمتک
از فضل خود آنچه تو سزاواری برحمت تو
ایضا در وقت یا ارحم الراحمین دیدن ماه
ای رحیمتر از رحیمان
الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدر
حمد مر خدایرا که آفرید مرا وآفرید ترا وتقدیر کرد
منازلک وجعلک مواقیت للناس
منزلهای تو وگردانید ترا مواقیت برای مردمان

اللهم اهله علينا اهلالا مباركا وادخله

خداوندا روئیت کن بر ما ماه را با برکت و در آور او را

علينا بالسلامة والاسلام واليقين

بر ما بسلامت و اسلام و یقین

والايمان والبركة والتقوى والتوفيق

و ایمان و برکت و پرهیزکاری و توفیق

لما تحب [illegible] وترضى

مر آنچه دوست داری و پسندی

اللهم ان مغفرتك ارجى من عملي وان

خداوندا بدرستی که آمرزش تو امیدوارتر از کردار من و اگر

رحمتك اوسع من ذنبي اللهم ان كان

رحمت تو فراخ‌تر از گناه من خداوندا اگر باشد

ذنبي عندك عظيما فعفوك اعظم

گناه من نزد تو بزرگ پس عفو تو بزرگتر

من ذنبي اللهم ان لم اكن اهلا ان

از گناه من خداوندا اگر نباشم لایق که

ترحمني فرحمتك اهل ان تبلغني وتسعني

رحم کنی مرا پس رحمت تو لایق که برسانی مرا

لانها وسعت كل شيء برحمتك يا

زیرا که وسعت داده همه چیز را برحمت تو ای

الخفيات يا دافع البليات سبحانك الثالث

پوشیده‌ها ای دفع کننده بلاها پاکی تو

يا خير الغافرين يا خير الفاتحين يا خير الناصرين

ای بهتر آمرزندها ای [illegible]ندگان ای بهتر یاری کنندگان

يا خير الحاكمين يا خير الرازقين يا خير الوارثين

ای بهتر حکم کنندگان ای بهتر روزی دهندگان ای بهتر وارثها

يا خير الحامدين يا خير الذاكرين يا خير المنزلين

ای بهتر حمد کنندگان ای بهتر ذکر کنندگان ای بهتر فرود آرندگان

يا خير المحسنين سبحانك الرابع يا من له العزة

ای بهتر نیکوکاران پاکی تو ای آنکه مر او راست عزت

والجمال يا من له القدرة والكمال يا من له

و جمال ای آنکه مر او راست قدرت و کمال ای آنکه مر او راست

الملك والجلال يا من هو الكبير المتعال

پادشاهی و بزرگواری ای آنکه اوست بزرگ و بلند

يا منشئ السحاب الثقال يا من هو شديد

ای پیدا آورنده ابرهای گرانبار ای آنکه اوست سخت

المحال يا من هو سريع الحساب يا من هو

عذاب ای آنکه اوست زود حساب ای آنکه اوست

شديد العقاب يا من هو عنده حسن الثواب

سخت عذاب ای آنکه او نزد اوست نیکی ثواب

يا من هو عنده أم الكتاب سبحانك الخامس
ای کسی که نزد او ام کتاب پاکی تو
اللهم إني أسألك باسمك يا حنان يا منان
خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای آمرزنده ای مهربان
يا ديان يا برهان يا سلطان يا رضوان يا
ای جزا دهنده ای دلیل ای منزه ای پادشاه ای خشنود ای
غفران يا سبحان يا مستعان يا ذا المن و
آمرزنده ای پاک [illegible] ای صاحب منت و
البيان سبحانك السادس يا من تواضع كل
بیان پاکی تو ای کسی که فروتنی میکند هر
شيء لعظمته يا من استسلم كل شيء لقدرته
چیزی برای بزرگی او ای کسی که فرمانبرداری میکند هر چیز برای توانائی
يا من ذل كل شيء لعزته يا من خضع كل شيء
ای کسی که ذلیل است هر چیزی برای بزرگی او ای کسی که پست میشود هر چیزی
لهيبته يا من انقاد كل شيء من خشيته
برای ترس او ای کسی که اطاعت میکند هر چیزی از ترس او
يا من تشققت الجبال من مخافته يا من قامت
ای کسی که شکافته شده کوهها از ترس او ای کسی که برپا است
السموات بأمره يا من استقرت الأرضون
آسمانها بامر او ای کسی که ثابت است زمینها

بإذنه

بإذنه يا من يسبح الرعد بحمده يا من لا يعتدي
باذن او ای کسی که تسبیح میکند رعد بحمد او ای کسی که ستم نمیکند
على أهل مملكته سبحانك السابع يا غافر
بر اهل مملکت او پاکی تو ای آمرزنده
الخطايا يا كاشف البلايا يا منتهى الرجايا
گناهان ای کشف کننده بلاها ای منتهای امیدها
يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق
ای کسی که بخشش او بزرگ است ای بخشنده هدایا ای روزی دهنده
البرايا يا قاضي المنايا يا سامع الشكايا يا باعث
خلایق ای دهنده آرزوها ای شنونده شکایتها ای زنده کننده
البرايا يا مطلق الأسارى سبحانك الثامن
خلایق ای رها کننده اسیرها پاکی تو
يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا
ای صاحب بزرگی و ذکر خوب ای صاحب [illegible] ای صاحب
المجد والسناء يا ذا العهد والوفاء يا ذا
بزرگی و ثنا ای خداوند عهد و وفا ای خداوند
العفو والرضاء يا ذا المن والعطاء يا ذا
عفو و خشنودی ای خداوند انعام و عطا ای خداوند
الفضل والقضاء يا ذا العز والبقاء يا ذا
فضل و حکم ای خداوند عزت و باقی ای خداوند

يا ذا الجود والسخاء يا ذا الآلاء والنعماء

جود و سخا ای خداوند نعمتها و نعمت

سبحانك التاسع اللهم اني اسألك باسمك

پاکی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو

يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع

ای منع کننده ای دفع کننده ای رفع کننده ای نفع دهنده ای شنونده

يا جامع يا شافع يا واسع يا موسع سبحانك

ای جمع کننده ای وسعت دهنده پاکی تو

العاشر يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق

ای فاعل هر مفعول ای خالق هر مخلوق

يا رازق كل مرزوق يا مالك كل مملوك يا

ای روزی دهنده هر مرزوق ای مالک هر مملوک ای

كاشف كل مكروب يا فارج كل مهموم

کشف کننده هر مکروب اخلاص کننده هر هم

يا راحم كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا ساتر

ای رحم کننده هر مرحوم ای یاری کننده هر مخذول ای پوشاننده

كل معيوب يا ملجا كل مطرود سبحانك يا

هر معیوب ای پناه هر مطرود پاکی تو

يا عدتي عند شدتي يا رجائي عند

ای عدت من نزد سختی من ای امید من نزد

بعد نماز يا ارحم الراحمين این دعا بخوانند

ای رحمتر از رحیمان

استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي

القيوم ذو الجلال

والاكرام و

اتوب اليه

دعاء يوم الجمعة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي اطيع فشكر وعصي فغفر وملك فقدر

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله [illegible] على صلوات حافظين وبالقضاء [illegible] وللفرائض مؤدين و [illegible] كل شيء قدير اللهم اجعلنا على الاوقات [illegible] لا شريك له ولا ولد وهو على [illegible] فرد واحد [illegible]

[illegible] جبار علام الغيوب [illegible] منزل الكتب [illegible] رحيم [illegible] فالق [illegible] النور [illegible] يا [illegible] برحمتك يا ارحم الراحمين [illegible]

الأكرمين

دعاء يوم الأحد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواحد القهار العزيز الغفار

الذي لا يخفى عليه الأسرار ولا تدركه الأبصار

وخالق الجنة والنار عزيز حكيم اللهم

احكمني بالتقوى وجنبني

البلوى

وأسكني

جنة المأوى وزيني

بالحلم والنهى وانصرني على العدى

يا خير المسؤولين وأكرم المأمولين

دعاء يوم الاثنين

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله

الكريم الوهاب الغفور

التواب

مفتح

الأبواب سريع الحساب

ليس له شريك ولا قوم ملكك اللهم

اغفر حوبتي وتقبل توبتي واكشف كربتي

وارحم غربتي وآمن روعتي يا إله العالمين

دعاء يوم الثلثاء

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله

اللطيف الخبير

السميع البصير الذي

ليس له شبيه ولا نظير قوم قدير اللهم

اجعلنا بالعلم عاملين وبالطاعة قائمين

ولا تجعلنا أسارى في أيدي الظالمين

ونبهنا عن نومة الغافلين

دعاء يوم الأربعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله

الواحد

المنان الماجد سميع بصير

الرؤوف الحنان

اللهم البسني العافية في الدنيا

والآخرة والبسني عند الخلق

والآخرة وامني عذاب النار و

الفطنة وحلني العقل و

الفطنة بالجود

دعاء يوم الخميس

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله القاهر في عزه العادل

في بريته العالم في قضيته ماجد

يسر اللهم اجعل قولي

تعطفك وارض عنى خلقك

واتبع

على دينك و

وارزقني رضائك وشكرا

اعني على ذكرك ودين

يا قدير الف

بيوم جمعه مصوره

رحمتا مرتضا ١٢٤١



دعاء الجوشن الكبير

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

در آخر هر فصل بگوید

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم اني اسالك باسمك يا الله يا رحمن يا رحيم

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای خدا ای بخشاینده ای مهربان

يا كريم يا مقيم يا عظيم يا قديم يا عليم يا حليم

ای بزرگوار ای پاینده ای بزرگ ای دیرینه ای دانا ای بردبار

يا حكيم سبحانك الثاني يا سيد السادات يا

ای محکم کار پاکی تو ای بزرگ بزرگان ای

مجيب الدعوات يا رفيع الدرجات يا ولي

اجابت کننده دعاها ای بلند مرتبها ای دوست

الحسنات يا غافر الخطيئات يا معطي السؤلات

نیکیها ای آمرزنده گناهان ای عطا کننده سؤالها

يا قابل التوبات يا سامع الاصوات يا عالم

ای قبول کننده توبها ای شنونده آوازها ای دانای

مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي

گرفتاری من ای یار من نزد خوف من ای یار من

عند غربتي يا وليي عند نعمتي يا غياثي

نزد غریبی من ای دوست من نزد نعمت من ای فریادرس من

عند كربتي يا دليلي عند حيرتي يا غنائي

نزد اندوه من ای دلیل من نزد حیرت من ای بی‌نیازی من

عند افتقاري يا ملجائي عند اضطراري

نزد احتیاج من ای پناه من نزد اضطرار من

يا معيني عند مفزعي سبحانك يب يا علام

ای معین من نزد پناه من پاکی تو ای داننده

الغيوب يا غفار الذنوب يا ستار العيوب

غیبها ای آمرزنده گناهان ای پوشاننده عیبها

يا كاشف الكروب يا مقلب القلوب يا

ای کشف کننده اندوهها ای گرداننده دلها ای

طبيب القلوب يا منور القلوب يا انيس

طبیب دلها ای روشنی دلها ای انیس

القلوب يا مفرج الهموم يا منفس الغموم

دلها ای گشاینده همها ای راحت دهنده غمها

سبحانك يج اللهم اني اسالك باسمك

پاکی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو

یا جلیل یا جمیل یا وکیل یا کفیل یا دلیل یا
ای بزرگ ای نیکو ای وکیل ای ضامن ای دلیل ای
قبیل یا مدیل یا منیل یا مقیل یا محیل سبحانک
قبول کننده ای دلالت کننده ای آرزو دهنده ای نگهدارنده ای حیله کننده پاکی تو
ید یا دلیل المتحیرین یا غیاث المستغیثین
ای راهنمای حیران شوندگان ای فریادرس یاری جویان
یا صریخ المستصرخین یا جار المستجیرین یا
ای فریادرس دادخواهان ای همسایه همسایگان ای
امان الخائفین یا عون المؤمنین یا راحم
امان ترسندگان ای یاری کننده مؤمنین ای رحم کننده
المساکین یا ملجا العاصین یا غافر المذنبین
مساکین ای پناه گناهکاران ای آمرزنده گناهکاران
یا مجیب دعوة المضطرین سبحانک یه یا ذا
ای اجابت کننده دعای مضطران پاکی تو ای صاحب
الجود والاحسان یا ذا الفضل والامتنان
بخشش و نیکی ای صاحب علم و منتها
یا ذا الامن والامان یا ذا القدس والسبحان
ای صاحب امن و امان ای صاحب پاکی و منزه
یا ذا الحکمة والبیان یا ذا الرحمة والرضوان
ای صاحب حکمت و بیان ای صاحب رحمت و خشنودی

یا ذا

یا ذا الحجة والبرهان یا ذا العظمة والسلطان
ای صاحب حجت و دلایل ای صاحب بزرگی و پادشاه
یا ذا الرأفة والمستعان یا ذا العفو والغفران
ای صاحب مهربانی و یاری ای صاحب بخشش و آمرزش
سبحانک یو یا من هو رب کل شیء یا من هو
پاکی تو ای آنکه اوست پروردگار هر چیز ای آنکه اوست
اله کل شیء یا من هو خالق کل شیء یا من
خدای هر چیز ای آنکه اوست آفریدگار هر چیز ای آنکه
هو صانع کل شیء یا من هو قبل کل شیء یا
اوست صانع هر چیز ای آنکه اوست پیش از هر چیز ای
من هو بعد کل شیء یا من هو فوق کل شیء یا
آنکه اوست بعد هر چیز ای آنکه اوست بالای هر چیز ای
من هو عالم بکل شیء یا من هو قادر علی کل شیء
آنکه اوست دانا بهر چیز ای آنکه او تواناست بر هر چیز
یا من یبقی ویفنی کل شیء سبحانک یز اللهم
ای آنکه باقی است و فانی میشود هر چیزی پاکی تو خداوندا
انی اسألک باسمک یا مؤمن یا مهیمن یا مکون
بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای بخشنده ای حافظ ای ایجاد کننده
یا ملقن یا مبین یا مهون یا ممکن یا مزین یا
ای آموزنده ای روشن ای سهل کننده ای موجود ای زینت دهنده ای

مُعلِن یا مُقیم سُبحانَکَ یح یا مَن هُوَ فی مُلکِهِ

[illegible] ای پاینده پاکی تو ای آنکه در ملک خود

مُقیم یا مَن هُوَ فی سُلطانِهِ قَدیم یا مَن هُوَ فی

ایستاده ای آنکه او در پادشاهی خود پاینده ای آنکه او در

جَلالِهِ عَظیم یا مَن هُوَ عَلی عِبادِهِ رَحیم یا

بزرگی خود بزرگست ای آنکه او بر بندگان خود مهربانست ای

مَن هُوَ بِکُلِّ شَیءٍ عَلیم یا مَن هُوَ بِمَن عَصاهُ حَلیم

آنکه او بهر چیزی داناست ای آنکه او بکسی که گناه کند بردبارست

یا مَن هُوَ بِمَن رَجاهُ کَریم یا مَن هُوَ فی صُنعِهِ

ای آنکه او بکسی که امید دارد بخشنده است ای آنکه او در فعلش

حَکیم یا مَن هُوَ فی حِکمَتِهِ لَطیف یا مَن هُوَ فی لُطفِهِ

محکم است ای آنکه او در حکم او داناست ای آنکه او در دانایی خود

قَدیم سُبحانَکَ یط یا مَن لا یُرجی اِلّا فَضلُهُ

تواناست پاکی تو ای آنکه نیست امید مگر فضل او

یا مَن لا یُسئَلُ اِلّا عَفوُهُ یا مَن لا یُنظَرُ اِلّا بِرُّهُ

ای آنکه پرسیده نشود مگر عفو او ای آنکه نمی نگرد مگر نیکی او

یا مَن لا یُخافُ اِلّا عَدلُهُ یا مَن لا یَدُومُ اِلّا

ای آنکه نترسید مگر عدل او ای آنکه دایم نیست مگر

مُلکُهُ یا مَن لا سُلطانَ اِلّا سُلطانُهُ یا مَن

ملک او ای آنکه نیست پادشاهی مگر پادشاهی او ای آنکه

وسعت

وَسِعَت کُلَّ شَیءٍ رَحمَتُهُ یا مَن سَبَقَت رَحمَتُهُ

فرا گرفته هر چیزی را رحمت او ای آنکه پیشی گرفته رحمت او

غَضَبَهُ یا مَن اَحاطَ بِکُلِّ شَیءٍ عِلمُهُ یا مَن

غضب او را ای آنکه احاطه کرده بهر چیزی دانش او ای آنکه

لَیسَ اَحَدٌ مِثلَهُ سُبحانَکَ ك یا فارِجَ الهَمِّ

نیست احدی مانند او پاکی تو ای رفع کننده هم

یا کاشِفَ الغَمِّ یا غافِرَ الذَّنبِ یا قابِلَ التَّوبِ

ای ظاهر کننده غم ای آمرزنده گناه ای قبول کننده توبه

یا خالِقَ الخَلقِ یا صادِقَ الوَعدِ یا مُوفی

ای آفریننده خلق ای راست وعده ای وفا کننده

العَهدِ یا عالِمَ السِّرِّ یا فالِقَ الحَبِّ یا رازِقَ

بعهد ای دانای نهان ای شکافنده دانه ای روزی دهنده

الاَنامِ سُبحانَکَ کا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاسمِکَ

انام پاکی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم بنام تو

یا عَلِیُّ یا وَفِیُّ یا غَنِیُّ یا مَلِیُّ یا حَفِیُّ یا رَضِیُّ

ای بلند ای وفا کننده ای بی نیاز ای مهربان ای خشنود

یا زَکِیُّ یا بَدِیُّ یا قَوِیُّ یا وَلِیُّ سُبحانَکَ کب

ای پاک ای پیدا ای توانا ای دوست پاکی تو

یا مَن اَظهَرَ الجَمیلَ یا مَن سَتَرَ القَبیحَ یا مَن

ای آنکه ظاهر میسازد نیکویی را ای آنکه میپوشاند قبیح ای

لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم يهتك الستر يا

مؤاخذه نکنی گناه ای آنکه نمیدری پرده را ای

يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع

بزرگ بخشش ای نیکو درگذرنده ای فراخ رحمت

المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب

آمرزش ای پهن کننده قدرت برحمت ای صاحب

كل نجوى يا منتهى كل شكوى سبحانك

هر راز ای منتهای هر شکایت پاکی تو

كج يا ذا النعمة السابغة يا ذا الرحمة الواسعة

ای صاحب نعمت سابغه ای صاحب رحمت واسعه

يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة البالغة

ای صاحب منت سابقه ای صاحب حکمت بالغه

يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجة القاطعة

ای صاحب قدرت کامله ای صاحب حجت قاطعه

يا ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدائمة

ای صاحب کرامت ظاهره ای صاحب عزت همیشه

يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة

ای صاحب قوت متینه ای صاحب بزرگی منیعه

سبحانك كد يا بديع السموات يا جاعل الظلمات

پاکی تو ای پدید آورنده آسمانها ای گرداننده تاریکیها

يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا ساتر

ای رحم کننده اشکها ای درگذرنده بدیها ای پوشاننده

العورات يا محيي الأموات يا منزل الآيات

عورتها ای زنده کننده مردگان ای فرو فرستنده آیات

يا مضعف الحسنات يا ماحي السيئات

ای مضعف نیکیها ای محو کننده بدیها

يا شديد النقمات سبحانك كه اللهم

ای سخت کننده عذابها پاکی تو خداوندا

اني اسئلك باسمك يا مصور يا مقدر يا

بدرستی که سؤال میکنم ترا بنام تو ای قرار دهنده ای تقدیر کننده ای

مدبر يا مطهر يا منور يا ميسر يا مبشر يا منذر

تدبیر کننده ای پاک ای روشن ای آسان ای بشارت ای بیم نماینده

يا مقدم يا مؤخر سبحانك كو يا رب البيت

ای مقدم ای مؤخر پاکی تو ای پروردگار خانه

الحرام يا رب البلد الحرام يا رب الشهر

محترم ای پروردگار بلد محترم ای پروردگار ماه

الحرام يا رب الركن والمقام يا رب

محترم ای پروردگار رکن ومقام ای پروردگار

المشعر الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب

مشعر الحرام ای پروردگار مسجد الحرام ای پروردگار

الحل والحرام یا رب النور والظلام یا رب
حلال وحرام ای پروردگار روشنی وتاریکی ای پروردگار
التحیة والسلام یا رب القدرة فی الانام
درود وسلام ای پروردگار قدرت در روزگار
سبحانك کز یا احکم الحاکمین یا اعدل العادلین
پاکی تو ای حکم کننده ترین حکم کنندگان ای عدالت دارنده
یا اصدق الصادقین یا اطهر الطاهرین
ای راست گوینده تر از راستگویندگان ای پاکتر از پاکیزگان
یا احسن الخالقین یا اسرع الحاسبین
ای نیکوتر از آفرینندگان ای زودتر از حساب کنندگان
یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین یا
ای شنونده تر از شنوندگان ای بیناتر از بینایان ای
اشفع الشافعین یا اکرم الاکرمین
شفاعت کننده شفاعت کننده ای گرامیتر از گرامیدارندگان
سبحانك کح یا عماد من لا عماد له یا سند
پاکی تو ای پناه آنکه نیست پناهی مر اورا ای دلیل
من لا سند له یا ذخر من لا ذخر له یا حرز
آنکه نیست دلیل مر اورا ای شرافت آنکه نیست شرافت مر اورا ای حفظ
من لا حرز له یا غیاث من لا غیاث له
آنکه نیست حفظ مر اورا ای فریادرس آنکه نیست دادرسی مر اورا

یا فخر

یا فخر من لا فخر له یا عز من لا عز له یا معین
ای فخر آنکه نیست فخری مر اورا ای عزت آنکه نیست عزتی مر اورا ای معین
من لا معین له یا انیس من لا انیس له یا
آنکه نیست معینی مر اورا ای انیس آنکه نیست انیسی مر اورا ای
امان من لا امان له سبحانك کط اللهم
امان آنکه نیست امان مر اورا پاکی تو خداوندا
انی اسئلك باسمك یا عاصم یا قائم یا دائم
بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای نگاه دارنده ای بپا دارنده ای همیشه
یا راحم یا سالم یا حاکم یا عالم یا قاسم یا قابض
ای رحم کننده ای سالم ای حکم کننده ای دانا ای قسمت کننده ای قبض کننده
یا باسط سبحانك ل یا عاصم من استعصمه
ای پهن کننده پاکی تو ای نگاه دارنده آنکه طلب رحمت میکند
یا راحم من استرحمه یا غافر من استغفره
ای رحم کننده کسی که طلب رحم میکند ای آمرزنده کسی که طلب آمرزش میکند
یا ناصر من استنصره یا حافظ من استحفظه
ای یاری کسی که یاری داد اورا ای نگاه دارنده که طلب حفظ میکند
یا مکرم من استکرمه یا مرشد من استرشده
ای گرامی آنکه طلب بخشش میکند ای ارشاد آنکه طلب رشد میکند
یا صریخ من استصرخه یا معین من استعانه
ای فریادرس آنکه دادرسی میکند ای معین آنکه یاری میکند

يا مغيث من استغاثه سبحانك لا يا عزيزا

ای فریادرس آنکه فریادرسی کرده اورا پاکی تو ای ارجمند

لا يضام يا لطيفا لا يرام يا قيوما لا ينام يا

ظلم نمیکنند ای مهربان که بدل نمیکنند ای پاینده که نمیخوابد ای

دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا لا

همیشه که فوت نمیکند ای زنده که نمیرد ای پادشاه که

يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا

زایل ندارد ای باقی که فانی نمیشود ای دانا که جهل ندارد ای

صمدا لا يطعم يا قويا لا يضعف سبحانك

بی نیاز که نمیخورد ای قوتدار که ناتوان نمیشود پاکی تو

لب اللهم اني اسئلك باسمك يا احد يا

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای یگانه ای

واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد

یگانه ای گواه ای بزرگ ای حمد کننده ای رشد کننده

يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع سبحانك

ای برانگیزنده ای میراث برنده ای ضرر رساننده پاکی تو

لج يا اعظم من كل عظيم يا اكرم من كل

ای بزرگ از هر بزرگی ای گرامی از هر

كريم يا ارحم من كل رحيم يا اعلم من كل

گرامی ای رحم کننده از هر رحیمی ای دانا از هر

عليم يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل قديم

دانائی ای حکم کننده تر از هر حکم کننده ای مقدم تر از هر چیزی

يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف

ای بزرگتر از هر بزرگ ای داناتر از هر دانائی

يا اجل من كل جليل يا اعز من كل عزيز

ای بزرگتر از هر بزرگی ای عزیز از هر عزیز

سبحانك لد يا كريم الصفح يا عظيم المن يا

پاکی تو ای بزرگوار عفو ای بزرگ بخشش ای

كثير الخير يا قديم الفضل يا دائم اللطف

بسیار نفع ای دایم الفضل ای همیشه مهربان

يا لطيفا لصنع يا منفس الكرب يا كاشف

ای مهربان ای راحت دهنده اندوه ای نگاهدارنده

الضر يا مالك الملك يا قاضي الحق سبحانك له

بد حالی ای پادشاه ملکها ای حکم کننده حق پاکی تو

يا من هو في عهده وفي يا من هو في وفائه

ای آنکه او در عهد او وفا کننده است ای آنکه او در وفای خود

قوي يا من هو في قوته علي يا من هو في علوه

توانا است ای آنکه او در توانائی خود بلندی دارد ای آنکه او در بلندی خود

قريب يا من هو في قربه لطيف يا من هو في

نزدیک است ای آنکه او در نزدیکی خود مهربان است ای آنکه او در

لطفه شریف یا من هو فی شرفه عزیز یا من
دانائی بزرگست ای آنکه او در بزرگی غالبست ای آنکه
هو فی عزه عظیم یا من هو فی عظمته
او در عزت بزرگست ای آنکه او در بزرگی او
مجید یا من هو فی مجده حمید سبحانك
پسندیده است ای آنکه او در بزرگی او حمد کرده شده پاکی تو
لو اللهم انی اسئلك باسمك یا كافی یا
خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای کفایت کننده ای
شافی یا وافی یا معافی یا هادی یا داعی
شفادهنده ای وفاکننده ای رهنماینده ای خواننده
یا قاضی یا راضی یا عالی یا باقی سبحانك لن
ای حکم کننده ای خشنود ای بلند ای باقی پاکی تو
یا من كل شیء خاضع له یا من كل شیء خاشع
ای آنکه هر چیزی گردن نهنده مر او را ای آنکه هر چیزی رام میشود
له یا من كل شیء كائن له یا من كل شیء موجود
برای او ای آنکه هر چیزی قائم است مر او را ای آنکه هر چیزی موجود است
به یا من كل شیء منیب الیه یا من كل شیء خائف
باو ای آنکه هر چیزی رجوع میکند باو ای آنکه هر چیزی ترسانست
منه یا من كل شیء قائم به یا من كل شیء صائر
از او ای آنکه هر چیزی قائم است باو ای آنکه هر چیزی میگردد

الیه یا من كل شیء یسبح بحمده یا من كل شیء
باو ای آنکه هر چیزی تسبیح میکند بحمد او ای آنکه هر چیزی
هالك الا وجهه سبحانك لح یا من لا
هلاک شونده است مگر ذات او پاکی تو ای آنکه نیست
مفر الا الیه یا من لا مفزع الا الیه یا من
فرار مگر باو ای آنکه نیست پناهی مگر باو ای آنکه
لا مقصد الا الیه یا من لا منجی منه الا
نیست مقصدی مگر باو ای آنکه نیست پناهی مگر
الیه یا من لا یرغب الا الیه یا من لا حول
باو ای آنکه نیست رغبت مگر باو ای آنکه نیست حول
ولا قوة الا به یا من لا یستعان الا به
و نه قوتی مگر باو ای آنکه نیست یاری مگر باو
یا من لا یتوكل الا علیه یا من لا یرجی الا
ای آنکه نیست توکل مگر بر او ای آنکه نیست امید مگر
هو یا من لا یعبد الا ایاه سبحانك لط یا
باو ای آنکه نیست که پرستیم مگر او را پاکی تو ای
خیر المرهوبین یا خیر المرغوبین یا خیر
بهترین ترسیده شدگان ای بهترین رغبت کرده شدگان ای بهترین
المطلوبین یا خیر المسئولین یا خیر المقصودین
طلب کرده شدگان ای بهترین سوال کرده شدگان ای بهترین مقصودین

يا خير المذكورين يا خير المشكورين يا خير

ای بهترین ذکر کرده شدگان ای بهترین شکر کرده شدگان ای بهترین

المحبوبين يا خير المدعوين يا خير المستأنسين

دوست داشته شده ای بهترین خوانده شدگان ای بهترین انس گرفته شدگان

سبحانك مه اللهم اني اسألك باسمك

پاکی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو

يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر

ای آمرزنده ای پوشنده ای توانا ای غالب ای خلق کننده ای شکننده

يا جابر يا ذاكر يا ناظر يا ناصر سبحانك ما يا من

ای تلافی کننده ای حافظ کننده ای یاری کننده پاکی تو ای آنکه

خلق فسوى يا من قدر فهدى يا من يكشف

آفرید پس مساوی کرد ای کسی که تقدیر کرد پس هدایت کرد ای آنکه ظاهر سازد

البلوى يا من يسمع النجوى يا من ينقذ

اندوه را ای آنکه میشنود هر راز ای آنکه امان میدهد

الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي

غرق شده را ای آنکه رهاننده هلاک شونده ای آنکه شفا میدهد

المرضى يا من اضحك وابكى يا من امات

بیماران را ای آنکه بخنده می‌آورد و میگریاند ای آنکه میمیراند

واحيا يا من خلق الزوجين الذكر والانثى

و زنده میکند ای آنکه آفرید جفت را نر و ماده

سبحانك

سبحانك مب يا من في البر والبحر سبيله

پاکی تو ای آنکه در بیابان و دریاست راه او

يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه

ای آنکه در آفاقست علامتهای او ای آنکه در علامتهای او دلیل او

يا من في الممات قدرته يا من في القبور عبرته

ای آنکه در مردنست قدرت او ای آنکه در قبرهاست عبرت او

يا من في القيمة ملكه يا من في الحساب هيبته

ای آنکه در قیامتست پادشاهی او ای آنکه در حسابست ترس او

يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه

ای آنکه در میزانست حکم او ای آنکه در بهشتست ثواب او

يا من في النار عقابه سبحانك مج يا من اليه

ای آنکه در آتشست عقاب او پاکی تو ای آنکه باو

يهرب الخائفون يا من اليه يفزع المذنبون

فرار کنند ترسندگان ای آنکه باو پناه میبرند گناهکاران

يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه يرغب

ای آنکه باو قصد میکنند توبه کنندگان ای آنکه باو رغبت میکنند

الزاهدون يا من اليه يلجأ المتحيرون يا

زاهدان ای آنکه باو پناه میبرند پناه گیرندگان ای

من به يستأنس المريدون يا من به يفتخر

آنکه باو انس گیرند مریدین ای آنکه باو افتخار کنند

المحبون یا من فی عفوه یطمع الخاطئون یا
دوستان ای آنکه در عفو او طمع دارند خطاکاران ای
من الیه یسکن الموقنون یا من علیه یتوکل
آنکه باو آرام شوند صاحبان یقین ای آنکه بر او توکل کنند
المتوکلون سبحانک مد اللهم انی اسالک
توکل کنندگان پاکی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا
باسمک یا حبیب یا طبیب یا قریب یا رقیب
بنام تو ای دوست ای طبیب ای نزدیک ای رقیب
یا حسیب یا مهیب یا مثیب یا مجیب یا
ای بسنده ای هیبت ای اجابت کننده ای
خبیر یا بصیر سبحانک مه یا اقرب من کل
آگاه ای بینا پاکی تو ای نزدیکتر از هر
قریب یا احب من کل حبیب یا ابصر من
نزدیک ای دوست تر از هر دوست ای بیناتر از
کل بصیر یا اخبر من کل خبیر یا اشرف من کل
هر بینا ای آگاه تر از هر آگاه ای بزرگ تر از هر
شریف یا ارفع من کل رفیع یا اقوی من
بزرگ ای بلند تر از هر بلند ای توانا تر از
کل قوی یا اغنی من کل غنی یا اجود من کل
هر توانا ای بی نیاز تر از هر بی نیاز ای بخشنده تر از هر

جواد

جواد یا اراف من کل رؤف سبحانک مو
بخشنده ای مهربان تر از هر مهربان پاکی تو
یا غالبا غیر مغلوب یا صانعا غیر مصنوع
ای غالب غیر مغلوب ای صنعت کننده غیر مصنوع
یا خالقا غیر مخلوق یا مالکا غیر مملوک
ای خالق غیر مخلوق ای مالک غیر مملوک
یا قاهرا غیر مقهور یا رافعا غیر مرفوع
ای قهار غیر مقهور ای بلند غیر بلند شده
یا حافظا غیر محفوظ یا ناصرا غیر منصور
ای نگاهبان غیر نگاه داشته ای یاری کننده
یا شاهدا غیر غائب یا قریبا غیر بعید سبحانک
ای گواه غیر غائب ای نزدیک غیر دور پاکی تو
من یا نور النور یا منور النور یا خالق النور
ای روشنی روشنی ای روشنی روشنی ای آفریدگار روشنی
یا مدبر النور یا مقدر النور یا نور کل نور
ای تدبیر کننده روشنی ای اندازه روشنی ای نور هر نور
یا نورا قبل کل نور یا نورا بعد کل نور
ای نور پیش از هر نور ای نور بعد هر نور
یا نورا فوق کل نور یا نورا لیس کمثله نور
ای نور بالای هر نور ای نور نیست مانند او نوری

سبحانك مح يا من عطاؤه شريف يا من
پاکی تو ای آنکه بخشش او بزرگست ای آنکه

فعله لطيف يا من لطفه مقيم يا من احسانه
کردار او مهربانست ای آنکه مهربانی او پاینده است ای آنکه احسان او

قديم يا من قوله حق يا من وعده صدق يا
دیرینه است ای آنکه گفتار او حق است ای آنکه وعده او راست است ای

من عفوه فضل يا من عذابه عدل يا من
آنکه عفو او تفضل است ای آنکه عذاب او عدلست ای آنکه

ذكره حلو يا من فضله عميم سبحانك مط
ذکر او شیرینست ای آنکه فضل او عام است پاکی تو

اللهم اني اسئلك باسمك يا مسهل يا مفصل
خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای آسان کننده ای تفصیل دهنده

يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول يا مفضل
ای تبدیل کننده ای نوفرستنده ای نعمت دهنده

يا مجزل يا ممهل يا مجمل سبحانك ن يا من يرى
ای عطا کننده پاکی تو ای آنکه دیده میشود

ولا يرى يا من يخلق ولا يخلق يا من يهدي
و دیده نمیشود ای آنکه آفریده میشود و آفریده نمیشود ای آنکه راه مینماید

ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من يسئل
و راه نموده نمیشود ای آنکه زنده کند ای آنکه پرسیده میشود

ولا يسئل يا من يطعم ولا يطعم يا من يجير ولا
و سوال کرده نمیشود ای آنکه طعام داده میشود ای آنکه همسایه است و نه

يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه
همسایه بر او ای آنکه حکم میکند و حکم کرده نمیشود بر او

يا من يحكم ولا يحكم عليه يا من لم يلد ولم
ای آنکه حکم میکند و حکم کرده نمیشود بر او ای آنکه نزاده و

يولد ولم يكن له كفوا احد سبحانك نا يا نعم
زاده نشده و نیست او را مانندی احدی پاکی تو ای خوب

الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا
درست ای نیکو طبیب ای نیکو رقیب ای

نعم القريب يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم
نیکو نزدیک ای نیکو اجابت کننده ای نیکو دوست ای نیکو

الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى يا نعم
کفیل ای نیکو وکیل ای نیکو دوست ای نیکو

النصير سبحانك نب يا سرور العارفين
یاری پاکی تو ای خوشحال کننده دانایان

يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب
ای آرزوی دوستان ای انیس مریدین ای دوست

التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين
توبه کنندگان ای روزی دهنده ای امید گناهکاران

يا قرة عين العابدين يا منفس عن المكروبين
ای روشنی چشم عبادت کنندگان ای برطرف کننده غمها
يا مفرج عن المغمومين يا اله الأولين
ای فرج دهنده غم داران ای خدای پیشینیان
والآخرين سبحانك نج اللهم اني اسألك
و پسینیان پاکی تو خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا
باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولانا يا
بنام تو ای پروردگار ما ای خدای ما ای آقای ما و مولای ما ای
ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا
یاری ما ای نگاهدارنده ما ای دلیل ما ای معین ما ای دوست ما
يا طبيبنا سبحانك ند يا رب النبيين و
ای طبیب ما پاکی تو ای پروردگار پیغمبران و
الأبرار يا رب الصديقين والأخيار
نیکوکاران ای پروردگار راستگویان و برگزیدگان
يا رب الجنة والنار يا رب الصغار و
ای پروردگار بهشت و آتش ای پروردگار کوچک و
الكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب
بزرگ ای پروردگار حبوب و دانه ای پروردگار
الأنهار والأشجار يا رب الصحاري و
نهرها و درختها ای پروردگار

القفار

القفار يا رب البراري والبحار يا رب
ای پروردگار بیابان و دریا ای پروردگار
الليل والنهار يا رب الإعلان والإسرار
شب و روز ای پروردگار پنهان و آشکار
سبحانك نه يا من نفذ في كل شيء أمره يا
پاکی تو ای آنکه جاری است در هر چیزی فرمان او ای
من لحق بكل شيء علمه يا من بلغت الى كل شيء
آنکه لاحق است بهر چیزی دانش او ای آنکه رسیده بسوی هر چیزی
قدرته يا من لا يحصي العباد نعمه يا من لا
قدرت او ای آنکه شمرده نمیشود بندگان نعمت او ای آنکه
يبلغ الخلائق شكره يا من لا تدرك الأفهام
نمیرسد خلق شکر او ای آنکه درک نمیکنند افهام
جلاله يا من لا تنال الأوهام كنهه يا من
بزرگی او ای آنکه نمیرسد اوهام کنه او ای
العظمة والكبرياء رداؤه يا من لا ترد
بزرگی و بزرگواری ای آنکه بر نمیگرداند
العباد قضاءه يا من لا ملك إلا ملكه يا
عباد حکم او ای آنکه ملک نیست مگر پادشاهی او ای
من لا عطاء إلا عطاؤه سبحانك نو يا من
آنکه عطای او نیست مگر بخشش پاکی تو ای آنکه

له المثل الأعلى يا من له الصفات العليا

مر او راست داستان بلند ای آنکه مر او راست صفات برتر

يا من له الآخرة والأولى يا من له الجنة

ای آنکه مر او راست آخرت و دنیا ای آنکه مر او راست بهشت

المأوى يا من له الآيات الكبرى يا من له

جای قامت ای آنکه مر او راست آیات بزرگ ای آنکه مر او راست

الأسماء الحسنى يا من له الحكم والقضاء

نامهای نیکو ای آنکه مر او راست حکم و قضا

يا من له الهواء والفضاء يا من له العرش

ای آنکه مر او راست هوا و حکم ای آنکه مر او راست عرش

والثرى يا من له السموات العلى سبحانك

و ثری ای آنکه مر او راست آسمانهای برتر پاکی تو

نو اللهم إني أسألك باسمك يا عفو يا

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای در گذرنده ای

غفور يا صبور يا شكور يا رؤوف يا عطوف

آمرزگار ای صبر کننده ای سپاس ای مهربان ای مهربان

يا مسؤول يا ودود يا سبوح يا قدوس نخ

ای سوال ای دوست ای منزه ای پاک

يا من في السماء عظمته يا من في الأرض

ای آنکه در آسمانها نشانهای بزرگی او ای آنکه در زمین است

آياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار

نشانهای او ای آنکه در هر چیزی دلیلست او را ای آنکه در دریاهات

عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا من

عجایبها ای آنکه در کوه هاست خزانه او ای آنکه

يبدأ الخلق ثم يعيده يا من إليه يرجع

بیدا اورد خلق را پس بازگرداند او را ای آنکه باز بر میگردد

الأمر كله يا من أظهر في كل شيء لطفه يا

کارها همه ای آنکه ظاهرست در هر چیزی مهربانی او را ای

من أحسن كل شيء خلقه يا من تصرف

آنکه نیکوست هر چیزی آفریدن او ای آنکه بر میگردد

في الخلائق قدرته سبحانك نط يا حبيب

در خلایق قدرت او پاکی تو ای دوست

من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب له

آنکه نیست دوستی مر او را ای طبیب آنکه نیست طبیبی مر او را

يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق

ای اجابت کننده آنکه نیست اجابت کننده مر او را ای مهربان آنکه نیست رفیق

له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث

مر او را ای رفیق آنکه نیست رفیق مر او را ای فریادرس آنکه نیست فریادرس مر او را

يا دليل من لا دليل له يا أنيس من لا أنيس

ای دلیل آنکه نیست دلیلی مر او را ای انیس آنکه نیست انیسی

له يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب

مر او را ای رحم کننده آنکه نیست رحم کننده مر او را ای یار آنکه نیست یاری

له سبحانك سـ يا كافي من استكفاه يا

مر او را پاکی تو ای کفایت کننده کسی که طلب کفایه میکند ای

هادي من استهداه يا كالي من استكلاه

راهنما کسی که طلب راه میکند ای حافظ آنکه حفظ میکند

يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه

ای مراعات کننده ای شفا دهنده کسی که شفا میدهد

يا قاضي من استقضاه يا مغني من استغناه

ای حکم کننده آنکه حکم میکند او را ای بی نیاز آنکه بی نیاز است او را

يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه

ای وفا کننده ای قوت دهنده آنکه طلب قوت میکند

يا ولي من استولاه سبحانك سا اللهم

ای دوست آنکه طلب دوستی میکند پاکی تو خداوندا

اني اسئلك باسمك يا خالق يا رازق

بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای آفریننده ای روزی دهنده

يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق يا فاتق

ای حرف زننده ای راستگو ای شکافنده ای جدا کننده ای گشاینده

يا راتق يا سابق يا سامق سبحانك سب يا

ای بندنده ای پیشی گیرنده [illegible] پاکی تو

من

من يقلب الليل والنهار يا من جعل

آنکه میگرداند شب را در روز ای آنکه میگرداند

الظلمات والانوار يا من خلق الظل و

تاریکیها و روشنی ای آنکه آفرید سایه را و

الحرور يا من سخر الشمس والقمر يا من

گرما ای آنکه رام کرد آفتاب و ماه را ای آنکه

قدر الخير والشر يا من خلق الموت والحيوة

اندازه کرد خیر و شر ای آنکه آفرید مرگ و زندگانی

يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ صاحبة

ای آنکه مر او راست خلق و امر ای آنکه فرا نگرفته صاحبی

ولا ولدا يا من ليس له شريك في الملك

و نه فرزندی ای آنکه نیست مر او را شریکی در پادشاهی

يا من لم يكن له ولي من الذل سبحانك

ای آنکه نمیباشد مر او را دوستی از خواری پاکی تو

سح يا من يعلم مراد المريدين يا من يعلم

ای آنکه میداند مراد مریدین ای آنکه میداند

ضمير الصامتين يا من يسمع انين الواهنين

ضمیر صامتین ای آنکه میشنود ناله واهنین

يا من يرى بكاء الخائفين يا من يملك

ای آنکه می بیند گریه ترسناکان را ای آنکه مالک است

حوائج السائلین یا من یقبل عذر التائبین
حاجتهای سوال کنندگان ای آنکه قبول میکند عذر توبه کنندگان
یا من لا یصلح اعمال المفسدین یا من لا
ای آنکه بصلاح نمی آورد کردار تباهکاران را ای آنکه
یضیع اجر المحسنین یا من لا یبعد عن
ضایع نمیکند مزد نیکوکاران را ای آنکه دور نیست از
قلوب العارفین یا اجود الاجودین
دلهای عارفان ای بخشنده ترین بخشندگان
سبحانک سد یا دائم البقاء یا سامع الدعاء
پاکی تو ای همیشه باقی ای شنونده دعا
یا واسع العطاء یا غافر الخطاء یا بدیع السماء
ای وسعت دهنده عطا ای آمرزنده گناهان ای بدید آورنده آسمانها
یا حسن البلاء یا جمیل الثناء یا قدیم السناء
ای نیکو آزمایش ای نیکو ذکر ای دیرینه [illegible]
یا کثیر الوفاء یا شریف الجزاء سبحانک سه
ای بسیار وفا ای نیکو جزاء پاکی تو
اللهم انی اسئلک باسمک یا ستار یا
خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای پوشنده ای
غفار یا قهار یا جبار یا صبار یا بار یا مختار
آمرزنده ای [illegible] ای [illegible] ای [illegible] ای نیکوکار ای اختیار کرده شده

یا فتاح یا نفاح یا مرتاح سبحانک سو یا
ای گشاینده ای دهنده ای طبیب پاکی تو ای
من خلقنی فسوانی یا من رزقنی وربانی
آنکه آفریده مرا و بیاراست مرا ای آنکه روزی داد مرا و پرورش داد مرا
یا من اطعمنی وسقانی یا من قربنی وادنانی
ای آنکه روزی داد مرا و آب داد مرا ای آنکه نزدیک گردانید مرا [illegible]
یا من عصمنی وکفانی یا من حفظنی وکلانی
ای آنکه نگاهداشته مرا و کفایت کرد مرا ای آنکه حفظ کرد مرا و [illegible] مرا
یا من اعزنی واغنانی یا من وفقنی وهدانی
ای آنکه عزیز گردانید مرا و بی نیاز کرد مرا ای آنکه توفیق داد مرا و راه نمود مرا
یا من انسنی وآوانی یا من اماتنی واحیانی
ای آنکه انس داد مرا و پناه داد مرا ای آنکه میمیراند مرا و زنده میکند مرا
سبحانک سز یا من یحق الحق بکلماته یا من
پاکی تو ای آنکه ثابت ساخت حق بکلمات او ای آنکه
یقبل التوبة عن عباده یا من یحول بین
قبول میکند توبه را از بندگانش ای آنکه حائل میشود میان
المرء وقلبه یا من لا تنفع الشفاعة الا باذنه
مرد و دل او ای آنکه نفع نکرد شفاعت مگر باذن او
یا من هو اعلم بمن ضل عن سبیله یا من معقب
ای آنکه او داناتر است بکسی که گمراه شد از راه او ای آنکه [illegible]

یا فتاح

لحكمه يا من لا رادّ لقضائه يا من انقاد كلّ
مر حكم او اى آنكه نيست ردكننده مر حكم او اى آنكه اطاعت ميكند هر
شيء لامره يا من السّموات مطويّات بيمينه
چيزى مر امر او اى آنكه در آسمانها پيچيده در دست او
يا من يرسل الرّياح بشرا بين يدى رحمته
اى آنكه ميفرستد بادها را بشارت در پيش روى رحمت او
سبحانك سح يا من جعل الأرض مهادا
پاكى تو اى آنكه گردانيد زمين را گسترده
يا من جعل الجبال اوتادا يا من جعل
اى آنكه گردانيد كوه را ميخ اى آنكه گردانيد
الشّمس سراجا يا من جعل القمر نورا يا
آفتاب را چراغى اى آنكه گردانيد ماه را نورى اى
من جعل اللّيل لباسا يا من جعل النّهار
آنكه گردانيد شب را پوششى اى آنكه گردانيد روز را
معاشا يا من جعل النّوم سباتا يا من
وقت معاش اى آنكه گردانيد روز را سبات اى آنكه
جعل السّماء بناء يا من جعل الأشياء
گردانيد آسمان را بنائى اى آنكه گردانيد اشيا را
ازواجا يا من جعل النّار مرصادا سبحانك سط
جفت اى آنكه گردانيد آتش را كمين گاه پاكى تو

اللّهمّ انّى اسألك باسمك يا سميع يا شفيع
خداوندا بدرستى كه سوال ميكنم ترا بنام تو اى شنوا اى شفاعت كننده
يا رفيع يا منيع يا سريع يا بديع يا كبير يا قدير
اى بلند اى منع كننده اى زود اى بديد آورنده اى بزرگ اى توانا
يا خبير يا مجير سبحانك ع يا حيّا قبل كلّ
اى آگاه اى پناه پاكى تو اى زنده پيش از هر
حيّ يا حيّا بعد كلّ حيّ يا حيّ الّذى ليس
زنده اى زنده بعد هر زنده اى زنده كه نيست
كمثله حيّ يا حيّ الّذى لا يشاركه حيّ يا حيّ
مانند او زنده اى زنده كه شريك نيست او را زنده اى زنده
الّذى لا يحتاج الى حيّ يا حيّ الّذى يميت
كه محتاج نيست بسوى زنده اى زنده كه ميميراند
كلّ حيّ يا حيّ الّذى يرزق كلّ حيّ يا حيّا
هر زنده اى زنده كه روزى ميدهد هر زنده اى زنده
لم يرث الحيوة من حيّ يا حيّ الّذى يحيى
كه ميراث نبرد زندگانى را از زنده اى زنده كه زنده ميكند
الموتى يا حيّ يا قيّوم لا تأخذه سنة ولا نوم
مردگان را اى زنده اى پاينده فرا نگيرد او را پينكى و نه خواب
سبحانك عا يا من له ذكر لا ينسى يا من له
پاكى تو اى آنكه مر او راست ذكرى كه فراموش نشود اى آنكه مر او راست

نور لا يطفى يا من له نعم لا تعد يا من له ملك

نوری که خاموش نشود ای آنکه مر او راست نعمت که شمرده نشود ای آنکه مر او راست پادشاهی

لا يزول يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال

که زایل نشود ای آنکه مر او راست ثنا که شمرده نشود ای آنکه مر او راست بزرگی

لا يكيف يا من له كمال لا يدرك يا من له

که زایل نشود ای آنکه مر او راست کمال که درک نشود ای آنکه مر او راست

قضاء لا يرد يا من له صفات لا تبدل

حکم که رد نشود ای آنکه مر او راست صفات که بدل نشود

يا من له نعوت لا تغير سبحانك عب يا رب

ای آنکه مر او راست صفتها که تغیر داده نشود پاکی تو ای پروردگار

العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية

عالمیان ای پادشاه روز جزا ای نهایت آرزوی

الطالبين يا ظهر اللاجين يا مدرك

طالبان ای پناه فرومایگان ای دریابنده

الهاربين يا من يحب الصابرين يا من

هاربین ای آنکه دوست دارد صبر کنندگانرا ای آنکه

يحب التوابين يا من يحب المتطهرين يا من

دوست دارد توبه کارانرا ای آنکه دوست دارد پاکیزگانرا ای آنکه

يحب المحسنين يا من هو اعلم بالمهتدين

دوست دارد نیکوکارانرا ای آنکه او داناتر است براه یافتگان

سبحانك عج اللهم اني اسئلك باسمك

پاکی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو

يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا محيط يا مقيت

ای شفیق ای رفیق ای نگهبان ای حافظ کننده

يا مغيث يا معز يا مذل يا مبدئ يا معيد

ای بی نیاز ای عزیز ای ابتدا ای دور

سبحانك عد يا من هو احد بلا ضد يا من

پاکی تو ای آنکه او یکیست که نیست ضدی ای آنکه

هو فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا

او تنهاست که شریک ندارد ای آنکه او بی نیاز است بلا عیب ای

من هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا حيف

آنکه او طاقست که شبیه ندارد ای آنکه او حکم کننده است

يا من هو رب بلا وزير يا من هو عزيز بلا

ای آنکه او پروردگاریست که وزیر ندارد ای آنکه او عزیز است نه

ذل يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك

خوار ای آنکه او بی نیاز است نه فقیر ای آنکه او پادشاهست

بلا عزل يا من موصوف بلا شبيه سبحانك

نه عزل ای آنکه وصف آورده شده که شبیه ندارد پاکی تو

عه يا من ذكره شرف للذاكرين يا من شكره

ای آنکه ذکر او بلند است برای یاد کنندگان ای آنکه شکر او

فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من

رستگاری برای شکر کنندگان ای آنکه حمد او عزیز است برای حمد کنندگان ای آنکه

طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح

فرمانبرداری او نیز رستگاری است برای مطیعان ای آنکه باب او گشاده است

للطالبين يا من سبيله واضح للمنيبين

برای طالبان ای آنکه راه او روشن است برای توبه کنندگان

يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة

ای آنکه نشانهای او حجت است برای بینندگان ای آنکه کتاب او پند است

للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين و

مر پرهیزکاران ای آنکه روزی او بسیار است برای طاعت کنندگان و

العاصين يا من رحمته قريب من المحسنين

نافرمانبران ای آنکه رحمت او نزدیک است از نیکوکاران

سبحانك عو يا من تبارك اسمه يا من تعالى

پاکی تو ای آنکه بزرگست نام او ای آنکه برتر است

جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا من

بزرگی او ای آنکه نیست خدائی غیر او ای آنکه بزرگست ثنای او ای آنکه

تقدست اسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا

پاکست نامهای او ای آنکه دایم است بقای او ای

من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء رداؤه يا

آنکه بزرگست بهای او ای آنکه بزرگست ردای او ای

من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعد نعماؤه سبحانك

که شمرده نشود نعمتهای او ای آنکه شمرده نشود نعمتهای او پاکی تو

عز اللهم انى اسئلك باسمك يا معين

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو ای معین

يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد

ای امین ای روشن ای بزرگ ای قرار دهنده ای هدایت کننده

يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد سبحانك

ای حمد کننده ای ستوده ای سخت ای گواه پاکی تو

عح يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد

ای صاحب عرش بزرگ ای صاحب قول راست

يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد

ای صاحب فعل رشید ای صاحب انتقام بزرگ

يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولى الحميد

ای صاحب وعده و وعید ای آنکه او دوست ستوده است

يا من هو فعال لما يريد يا من هو قريب غير بعيد

ای آنکه او کننده است مر آنچه خواهد ای آنکه او نزدیک است نه دور

يا من هو على كل شئ شهيد يا من هو ليس بظلام

ای آنکه او بر هر چیزی گواه است ای آنکه او نیست ستمکار

للعبيد سبحانك عط يا من لا شريك له ولا

مر بندگان پاکی تو ای آنکه نیست شریکی مر او را و نه

وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس
وزيري اي آنكه نيست شبيه مر او را و نه نظيري اي آفريدگار آفتاب
والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق
و ماه روشن اي بي نياز كننده فقير ايروزي دهنده
الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر
طفل كوچك ايرحم كننده شيخ بزرگ اي تلافي كننده
العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا
استخوان شكسته اي نگاهدارنده ترسان پناه گيرنده اي
من هو بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء
آنكه او به بندگان خود آگاه بينا اي آنكه او بر هر چيزي
قدير سبحانك ف يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل
توانا است پاكي تو ايصاحب بخشش و نعمتها ايخداوند فضل
والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر
و كرم اي آفريننده لوح و قلم اي پديد آورنده مور ريزه
والنسم يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم
و جان ايصاحب قهر و عذاب اي ياد كننده عرب و عجم
يا كاشف الضر والألم يا عالم السر والهمم يا
ايظاهر سازنده مرض و الم ايداناي نهان و غمها اي
رب البيت والحرم يا من خلق الأشياء من العدم
پروردگار خانه و حرم اي آنكه آفريد اشيا را از عدم

سبحا

سبحانك فا اللهم اني اسئلك باسمك يا
پاكي تو خداوندا بدرستي كه سؤال ميكنم ترا بنام تو اي
فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاضل يا فاصل
كننده اي قبول كننده اي كامل اي فاضل اي پيوند
يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب سبحانك فب
ايعادل ايغالب ايطالب اي واهب پاكي تو
يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد
اي آنكه نعمت داده بفضل خود اي آنكه كرامت بخشش خود اي آنكه بخشش كرده
بلطفه يا من تعزز بقدرته يا من قدر بحكمته
بلطف او اي آنكه معزز است بتوانائي اي آنكه اندازه كرد بحكمت او
يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه يا من تجاوز
اي آنكه حكم كرده بتدبير او اي آنكه تدبير كرد بعلم خود اي آنكه در گذشته
بحلمه يا من دنا في علوه يا من علا في دنوه
بيرد باري اي آنكه بلند است در بلندي در نزديك او
سبحانك فج يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل
پاكي تو اي آنكه آفريد آنچه خواهد اي آنكه ميكند
ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من يضل
آنچه خواهد اي آنكه راه نمايد از آنكه خواهد اي آنكه گمراه كند
من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يغفر
از آنكه خواهد اي آنكه عذاب ميكند هر كه را خواهد اي آنكه آمرزيد

لمن يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا
مرا که خواهد ای عزیز آنکه خواهد ای آنکه ذلیل است آنکه خواهد ای
من يصور في الأرحام ما يشاء يا من يختص
آنکه تصویر میکند در رحمها آنچه خواهد ای آنکه مخصوص است
برحمته من يشاء سبحانك فد يا من لم يتخذ صاحبة
برحمت او آنرا که خواهد پاکی تو ای آنکه فرا نگرفته یاری
ولا ولدا يا من جعل لكل شيء قدرا يا من لا يشرك
ونه فرزندی ای آنکه گردانید برای هر چیزی اندازه ای آنکه نیست شریکی
في حكمه احدا يا من جعل الملائكة رسلا
در حکم او احدی ای آنکه گردانید فرشتگان را رسولی
يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الأرض
ای آنکه گردانید در آسمان برجها ای آنکه گردانید زمین را
قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل لكل
قراری ای آنکه آفرید از آب آدمی را ای آنکه گردانید برای هر
شيء امدا يا من احاط بكل شيء علما يا من احصى
چیزی اجلی ای آنکه احاطه کرد بهر چیزی دانش ای آنکه شمرد
كل شيء عددا سبحانك فه اللهم اني اسألك
هر چیزی شمردنی پاکی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا
باسمك يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا بر يا
بنام تو ای اول ای آخر ای ظاهر ای باطن ای نیکو

حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد سبحانك فو
حق ای تنها ای بی نیاز پاکی تو
يا خير معروف عرف يا افضل معبود عبد
ای بهتر شناخته شده ای بهتر معبود بنده
يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر يا اعلى
ای بزرگ شکور شکر کرده ای عزیز یاد کرده شده ای بلند
محمود حمد يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف
ستوده ای پیشی موجود ای بلند وصف کرده شده
وصف يا اكبر مقصود قصد يا اكرم مسؤول
ای بزرگ مقصود اکرامی سوال کرده
سئل يا اشرف محبوب علم سبحانك فز يا
ای بزرگ دوست دانا پاکی تو ای
حبيب الباكين يا سيد المتوكلين يا هادي
دوست گریه کنندگان ای آقای توکل کنندگان ای راهنمای
المضلين يا ولي المؤمنين يا انيس الذاكرين
گمراهان ای دوست گروندگان ای انیس ذکر کنندگان
يا مفزع الملهوفين يا منجي الصادقين يا اقدر
ای فریادرس پناه آورندگان ای نجات دهنده راستگویان ای تواناتر
القادرين يا اعلم العالمين يا اله الخلق اجمعين
توانایان ای داناتر عالمیان ای خدای خلق همه

سُبْحَانَكَ فح يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ
پاکی تو ای آنکه بلند است پس غلبه کرد ای آنکه مالک شد پس توانا گردید
يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ يَا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ يَا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ
ای آنکه ظاهر گردید پس خبر داد ای آنکه عبادت کرده شد پس شکر کرد پس آمرزید
يَا مَنْ لَا يَحْوِيهِ الْفِكَرُ يَا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ يَا مَنْ
ای آنکه احاطه نمیکند او را فکرها ای آنکه درک نمیکند دیدها ای آنکه
لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ يَا رَازِقَ الْبَشَرِ يَا مُقَدِّرَ كُلِّ
پنهان نیست بر او اثری ای روزی دهنده خلق ای تقدیر کننده هر
قَدَرٍ سُبْحَانَكَ فط اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
چیزی پاکی تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بنام تو
يَا حَافِظُ يَا بَارِئُ يَا ذَارِئُ يَا بَاذِخُ يَا فَارِجُ يَا
ای حفظ کننده ای خالق ای ایجاد کننده ای بیرون آورنده ای
فَاتِحُ يَا كَاشِفُ يَا ضَامِنُ يَا آمِرُ يَا نَاهِي سُبْحَانَكَ ص
گشاینده ای روشن کننده ای ضامن ای فرماینده پاکی تو
يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ
ای آنکه نمیداند نهانی مگر او ای آنکه برنمیگرداند بدی
إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ
مگر او ای آنکه پیدا نمیکند خلق را مگر او ای آنکه نمی آمرزد
الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُتِمُّ النِّعْمَةَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا
گناه را مگر او ای آنکه تمام نمیکند نعمت را مگر او ای آنکه

يقلب

يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ يَا
برنمیگرداند دلها را مگر او ای آنکه تدبیر نمیکند کارها را مگر او ای
مَنْ لَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ
آنکه نمیفرستد باران را مگر او ای آنکه پهن نمیکند روزی را
إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ سُبْحَانَكَ
مگر او ای آنکه زنده نمیکند مردگان را مگر او پاکی تو
صا يَا مُعِينَ الضُّعَفَاءِ يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ يَا
ای یاری کننده ضعفا ای یار غریبان ای
نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ يَا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ يَا رَافِعَ السَّمَاءِ
یار دوستان ای غلبه بر دشمنان ای بلند کننده آسمان
يَا أَنِيسَ الْأَصْفِيَاءِ يَا حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ يَا كَنْزَ
ای یار برگزیدگان ای دوست پرهیزگاران ای دستگیر
الْفُقَرَاءِ يَا إِلٰهَ الْأَغْنِيَاءِ يَا أَكْرَمَ الْكُرَمَاءِ
فقیران ای خدای بی نیازان ای بخشش کننده بخشایندگان
سُبْحَانَكَ صب يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَا قَائِمًا عَلَى كُلِّ
پاکی تو ای کفایت کننده از هر چیزی ای ایستاده بر هر
شَيْءٍ يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ
چیزی ای آنکه مشتبه نمیشود چیزی ای آنکه زیاد نمیشود در پادشاهی او
شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ
چیزی ای آنکه پنهان نیست بر او چیزی ای آنکه ناقص نمیشود

مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا

از خزانه او چیزی ای آنکه نیست مانند او چیزی ای آنکه

يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ

غایب نشود از دانش او چیزی ای آنکه او آگاه است بهر چیزی ای آنکه

وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ سُبْحَانَكَ صح اللّٰهُمَّ إِنِّي

وسعت داده رحمت او هر چیزی را پاکی تو خداوندا بدرستی که

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرِمُ يَا مُطْعِمُ يَا مُنْعِمُ يَا مُعْطِي

سوال میکنم ترا بنام تو ای بخشش کننده ای طعام دهنده ای عطا کننده

يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي يَا مُفْنِي يَا مُحْيِي يَا مُرْضِي يَا مُنْجِي سُبْحَانَكَ

ای بی نیاز کننده ای جزا دهنده ای زنده ای راضی کننده پاکی تو

صد يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ يَا إِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ يَا

ای اول هر چیز و آخر او ای خدای هر چیز و مالک او ای

رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَصَانِعَهُ يَا بَارِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَهُ

پروردگار هر چیز و آفریننده هر چیز ای خدای هر چیز و آفریننده هر چیز

يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَاسِطَهُ يَا مُبْدِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَ

ای قبض کننده هر چیز و پهن کننده ای ابتدا کننده هر چیز و

مُعِيدَهُ يَا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُقَدِّرَهُ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ

برگرداننده ای ایجاد کننده هر چیز و تقدیر کننده ای قرار دهنده هر چیزی ای

وَمُحَوِّلَهُ يَا مُحْيِيَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُمِيتَهُ يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهُ

و گرداننده ای زنده کننده هر چیز و میراننده او ای آفریننده هر چیز و وارث او

سُبْحَانَكَ صد يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَمَذْكُورٍ يَا خَيْرَ شَاكِرٍ

پاکی تو ای بهتر یاد آورنده ای بهتر شکر کننده

وَمَشْكُورٍ يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَ

و شکر کرده شده ای بهتر حمد کننده و حمد کرده شده ای بهتر گواه و

مَشْهُودٍ يَا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَمُجَابٍ

حاضر گردیده ای بهتر خواننده و خوانده شده ای بهتر اجابت کننده

يَا خَيْرَ مُؤْنِسٍ وَأَنِيسٍ يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَجَلِيسٍ يَا خَيْرَ

ای بهتر مونس و انیس ای بهتر صاحب و همنشین ای بهتر

مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمَحْبُوبٍ سُبْحَانَكَ

مقصود و مطلوب ای بهتر دوست و محبوب پاکی تو

صو يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ

ای آنکه برای کسی که خواند او را اجابت ای آنکه او مر اطاعت او را

حَبِيبٌ يَا مَنْ هُوَ إِلَى مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ

دوست است ای آنکه او کسی که دوست دارد نزدیک ای آنکه او

بِمَنِ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ

با آنکه محافظت کند او را حافظ است ای آنکه او با آنکه امید دارد کرامت

يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ

ای آنکه او با آنکه عصیان کرده بردبار است ای آنکه او در بزرگی او

رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ

مهربانست ای آنکه او در حکمت او بزرگست ای آنکه او در نیکی او

قديم يا من هو بمن اراده عليم سبحانك صه اللهم
وديرينه است ای انکه او بانکه اراده کرده دانا است پاکی تو خداوندا
انی اسئلك باسمك يا مسبب يا مرغب يا
بدرستی که سؤال میکنم ترا بنام تو ای مسبب قرار دهنده ای
مقلب يا معقب يا مرتب يا مخوف يا محذر يا مذكر
گرداننده ای عقب درآورنده ای ترتیب دهنده ای ترساننده ای ذکر کننده
يا مسخر يا مغير سبحانك صح يا من علمه سابق يا
ای مطیع کننده ای تغییر کننده پاکی تو ای انکه دانائی او پیش است ای
من وعده صادق يا من لطفه ظاهر يا من امره
انکه وعده او راست است ای انکه لطف او هویدا است ای انکه امر او
غالب يا من كتابه محكم يا من قضاؤه كائن يا من
غالبست ای انکه کتاب او محکم است ای انکه حکم او ثابت است ای انکه
قرانه مجيد يا من ملكه قديم يا من فضله عميم
قران او بزرگست ای انکه ملک او قدیم است ای انکه فضل او عمیم است
يا من عرشه عظيم سبحانك صط يا من لا يشغله
ای انکه عرش او بزرگست پاکی تو ای انکه مشغول نمیسازد
سمع عن سمع يا من لا يمنعه فعل عن فعل يا من لا
شنیدنی از شنیدنی ای انکه منع نمیکند فعلی از فعلی ای انکه
يلهيه قول عن قول يا من لا يغلطه سؤال عن
غافل نمیسازد او را قولی از قولی ای انکه مشتبه نمیکند سؤالی از

سؤال

سؤال يا من لا يحجبه شيء عن شيء يا من لا يبرمه
سؤالی ای انکه مانع نمیشود او را چیزی از چیزی ای انکه ابرام نمیکند او را
الحاح الملحين يا من هو غاية مراد المريدين يا
اصرار اصرار دارندگان ای انکه او غایت مراد مریدین ای
من هو منتهى همم العارفين يا من هو منتهى
انکه او منتهای اخر شناسندگان ای انکه او منتهای
طلب الطالبين يا من لا يخفى عليه ذرة في
طلب طالبان ای انکه مخفی نیست براو ذره در
العالمين سبحانك ۞ يا حليما لا يعجل
عالمیان پاکی تو ای دانا که بتعجیل نمیکند ای
جوادا لا يبخل يا صادقا لا يخلف يا وهابا
بخشنده که نیست بخیل ای راست که خلف نمیکند ای بخشنده
لا يمل يا قاهرا لا يغلب يا عظيما لا يوصف
که ملول نمیشود ای غلبه که غلبه نمیکند ای بزرگ که وصف کرده نمیشود
يا عدلا لا يحيف يا غنيا لا يفتقر يا كبيرا
ای عدل که حیف نمیکند ای بی نیاز که احتیاجی ندارد ای بزرگ
لا يصغر يا حافظا لا يغفل سبحانك يا لا
که کوچک نیستی ای نگهبان که غافل نیست پاکی تو ای نیست
اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب
خدای مگر تو فریادرس فریادرس خلاص کن ما را از آتش ای پروردگار

دوازده امام خواجه نصیر طوسی

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم صل وسلم وزد وبارك على النبي
بارخدایا رحمت و درود و زیاده گردان و برکت ده بر پیغمبر

الامي العربي القرشي المكي المدني الابطحي
امی عربی قرشی مکی مدنی مبارک

التهامي الهاشمي السيد البهي السراج
تهمت زده از قبیله هاشم آقای بهی چراغ

المضي صاحب الوقار والسكينة المدفون
روشن صاحب تمکین و هموار دفن کرده شده

بالمدينة العبد المؤيد والرسول
بمدینه بنده توفیق یافته شده و پیغمبری که

المسدد المصطفى الامجد المحمود الاحمد
بعد از آن پیغمبری نیست برگزیده بزرگوار ستوده احمد

حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد
دوست خدای عالمیان ابو القاسم محمد

صلى الله عليه واله وسلم - الصلوة و
رحمت خدا براو و آل او و درود رحمت و

السلام عليك وعلى الك يا ابا القاسم يا
درود بر تو و بر آل تو ای ابو القاسم ای

رسول الله يا امام الرحمة وشفيع الامة يا
پیغمبر خدا ای پیشوای مهربان ای شفاعت کننده امت ای

خاتم الانبياء يا سيدنا ومولينا انا
آخر پیغمبران ای آقای ما و پیشوای ما بدرستی که ما

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك
رو آوردیم و طلب شفاعت کردیم و توسل جستیم بتو

الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا
بسوی خدا و پیش داشتیم ترا میانه حاجتهای ما

يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
ای مقبول نزد خدا شفاعت کن مرا نزد خدا

اللهم صل وسلم وزد وبارك على
خداوندا رحمت بفرست و زیاده گردان و برکت ده بر

اخيه وابي بنيه السيد المطهر والامام
برادر او و پدر او بر آقای پاک و پیشوای

المظفر والشجاع الغضنفر ابي شبر و
ظفر یافته و شجاع رشید پدر حسن و

شبير وقالع باب خيبر قاسم طوبى وسقر
حسین و قالع باب خیبر قسمت کننده بهشت و دوزخ

الانزع البطين الاشرف المكين الجبل المتين
بزرگتر رک گردن

العالم المبين الناصح المعين ولي الدين
دانای ظاهر کننده یاری کننده اعانت کننده صاحب دین

الوالي الولي السيد الرضي الامام الوصي
صاحب اختیار سزاوار آقای خشنود پیشوای جانشین

الحاكم بالنص الجلي والمخلص الصفي
حکم کننده بدلیل واضح و اخلاص دارنده برگزیده

المدفون بالغري ليث بني غالب سالب
دفن کرده شده بر نجف شیر پسران غالب

كل سالب مظهر الغرائب ومظهر
محل ظهور غرائب و محل ظهور

العجائب ومفرق الكتائب والشهاب
عجائب وجدا کننده کتابها و تیر

الثاقب والهزبر السالب ونقطة دائرة
درخشنده و شیر و اصل دائره

المطالب اسد الله الغالب غالب كل
مطلبها شیر خدا غلبه کننده هر

غالب ومطلوب كل طالب مولينا و
غالب و مطلوب هر طالب آقای ما و

مولى

مولى الكونين والثقلين ووارث علم
آقای جن و انس وارث علم

الاولين والآخرين امير المؤمنين ابي
اولین و آخرین پادشاه گروندگان پدر

الحسنين علي بن ابي طالب صلوات
حسن و حسین علی پسر ابیطالب درود

الله وسلامه عليه الصلوة والسلام
خدا و سلام او بر او رحمت و درود

عليك وعلى ذريتك يا ابا الحسن يا
بر تو و بر فرزند تو ای پدر حسن ای

علي بن ابي طالب يا امير المؤمنين يا اخ
علی پسر ابیطالب ای پادشاه گروندگان ای برادر

الرسول يا زوج البتول يا ابا السبطين
پیغمبر ای شوهر فاطمه ای پدر دو نواده

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولينا
ای دلیل خدا بر خلق او ای آقای ما و صاحب ما

انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا
که ما رو آورده ایم و شفاعت میکنیم و چنگ زده ایم

بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا
بتو بسوی خدا و پیش داشتیم ما ترا در نزد حاجتهای ما

یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم

ای مقبول نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا خداوندا

صل وسلم وزد وبارک علی السیدة

رحمت و درود و زیاده کن و برکت ده بر آقای

الجلیلة الکریمة الجمیلة والمفضلة

بزرگ صاحب کرم نیکو و زیادتی

النبیلة المکروبة العلیلة ذات الاحزان

بینکو اندوهناک صاحب آزار حزن

الطویلة فی المدة القلیلة المعصومة

دور و دراز در مدت کمی عصمت دار شده

المظلومة الرضیة الحلیمة العفیفة

ظلم کرده شده خشنود بردبار عفت داشته

السلیمة المجهولة قدرا المخفیة قبرا

سلامت داشته نادان قدر پنهان بود قبر او

المدفونة سرا المغصوبة جهرا سیدة

دفن کرده شده نهان غصب کرده شده در آشکار آقای

النساء الانسیة الحوراء ام الائمة النقباء

زنان مردمان حور مانند مادر پیشوایان شریعت

النجباء الطاهرة المطهرة البتول العذراء

بزرگان پاک پاکیزه پاره تن عذراء

فاطمة

فاطمة الزهراء سلام الله علیها الصلوة

فاطمه زهرا درود خدا بر او رحمت

والسلام علیک وعلی ذریتک یا فاطمة

و درود بر تو و بر فرزند تو ای فاطمه

الزهراء یا بنت محمد رسول الله ایتها

زهرا ای دختر محمد رسول خدا ای

البتول یا قرة عین الرسول یا بضعة النبی

بتول ای روشنی چشم رسول ای دختر پیغمبر

یا ام السبطین یا حجة الله علی خلقه

ای مادر حسن و حسین ای حجة خدا بر خلقش

یا سیدتنا ومولاتنا انا توجهنا

ای آقای ما و مولای ما که رو آوردیم

واستشفعنا وتوسلنا بک الی الله و

و طلب شفاعت کردیم و توسل جستیم با تو بسوی خدا و

قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیهة

پیش داشتیم با تو حاجتهای ما ای مقبول

عند الله اشفعی لنا عند الله اللهم

نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا خداوندا

صل وسلم وزد وبارک علی السیدة

رحمت و درود و زیاده کن و برکت ده بر سیده

المجتبى والامام المرتجى سبط المصطفى

برگزیده و پیشوای امید داشته نواده پیغمبر

وابن المرتضى علم الهدى العالم الرفيع

و پسر مرتضی نشانهٔ هدایت دانای بلند مرتبه

ذي الحسب المنيع والفضل الجميع الشفيع

صاحب شرف بزرگ و فضل جامع شفیع

بن الشفيع المقتول بالسم النقيع المدفون

پسر شفیع کشته شده بزهر دفن کرده شده

بارض البقيع العالم بالفرائض والسنن

بزمین بقیع دانا براجبهای خدا و سنتها

صاحب الجود والمنن دافع المحن والفتن

صاحب بخشش و منت دفع کننده محنتها و فتنها

ما ظهر منها وما بطن الذي عجز عن عد

آنچه ظاهر از آن و آنچه پنهانست که عاجزاست از شمردن

مدائحه لسان الالسن الامام بالحق

تعریف او در زبان زبان آوری پیشوای براستی

المؤتمن ابي محمد الحسن عليه السلام

طلب امان کرده شده محمد نیکو براو باد درود

الصلوة والسلام عليك يا ابا محمد

رحمت و درود بر تو ای پدر محمد

يا حسن

يا حسن بن علي ايها المجتبى يا ابن رسول

ای حسن پسر علی ای آنکه برگزیده شده ای پسر رسول

الله يا ابن امير المؤمنين يا قرة عين البتول

خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای روشنی چشم پاره جگر

الطهرة الطاهرة يا سيد شباب اهل

پاک پاکیزه ای آقای جوانان اهل

الجنة يا حجة الله على خلقه يا

بهشت ای دلیل خدا بر خلقش ای

سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا

آقای ما و مولای ما که ما رو آوردیم و طلب شفاعت میکنیم

وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين

و چنگ میزنیم بتو بسوی خدا و پیش داشتیم ما ترا در دست

يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع

حاجتهای ما ای مقبول نزد خدا شفاعت کن

لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد

ما را نزد خدا خداوندا رحمت و درود و زیادکن

وبارك على السيد الزاهد والامام

و برکت ده بر آقای صاحب زهد و پیشوای

العابد الراكع الساجد زين المنابر و

عبادت کنندگان رکوع کننده سجود کننده زینت منبرها و

الماجد وليّ الملك الماجد قتيل

سجده ها صاحب پادشاهی بزرگ کشته

الكافر الجاحد صاحب المحنة والكرب

کافر انکارکننده صاحب محنت و صبر

والبلاء المدفون بارض كربلاء

و بلا دفن کرده شده در زمین کربلا

سبط رسول الثقلين وزكي العنصرين

نواده پیغمبر جن و انس و پاکی عنصرین

ابي عبد الله الحسين عليه السلام

پدر عبدالله حسین بر او باد درود

الصلوة والسلام عليك يا ابا عبد الله

درود و رحمت بر تو ای ابا عبدالله

يا حسين بن علي ايها الشهيد يا بن

ای حسین پسر علی ای شهید ای پسر

رسول الله يا بن امير المؤمنين يا بن فاطمة

رسول خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای پسر فاطمه

الزهراء يا سيد شباب اهل الجنة

زهرا ای بزرگ جوانان اهل بهشت

يا ابا الائمة الاطهار يا حجة الله على

ای پدر ائمه پاک ای حجت خدا بر

خلقه

خلقه يا سيدنا ومولنا انا توجهنا

خلقش ای آقای ما و صاحب ما که ما رو آوردیم

واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله و

و شفاعت کردیم ما و چنگ زدیم ما بتو بسوی خدا و

قدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها

پیش داشتیم ما ترا در دست حاجتهای ما ای مقبول

عند الله اشفع لنا عند الله اللهم

نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا خداوندا

صل وسلم وزد وبارك على ابي

رحمت و درود و زیاد کن و برکت ده بر پدر

الائمة وسراج الامة وكاشف

ائمه و چراغ امت و ظاهر کننده

الغمة ومحي السنة وسني الهمة و

و زنده کننده طریقه و بلند همت و

رفيع الرتبة وانيس الكربة وصاحب

بلند مرتبه و مونس اندوهناک و صاحب

الندبة المدفون بارض طيبة المبرء

حزن دفن کرده شده بزمین پاک حالی

من كل شر وشين زين العابدين و

از هر فتنه و آشوبت زینت عبادت کنندگان و

سيد الساجدين الذي اين مثله وابن

بزرگ سجده کنندگان که کجاست مانند او و پسر

الإمام بالحق أبي محمد علي بن الحسين عليهما

پیشوایان بحق پدر محمد علی پسر حسین بر ایشان باد

السلام الصلوة والسلام عليك يا أبا

درود رحمت و درود بر تو ای پدر

محمد يا علي بن الحسين يا زين العابدين

محمد ای علی پسر حسین ای زینت پرستندگان

أيها السجاد يا ابن رسول الله يا ابن أمير

ای سجده کنندگان ای پسر رسول خدا ای پسر پادشاه

المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا

گروندگان ای دلیل خدا بر خلقش ای آقای ما

ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا و

و صاحب ما که ما رو آوردیم و طلب شفاعت میکنیم و

توسلنا بك إلى الله وقدمناك بين يدي

توسل جستیم بتو بسوی خدا و پیش داشتیم ترا در روی

حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا

حاجتهای ما ای مقبول نزد خدا شفاعت کن ما را

عند الله اللهم صل وسلم وزد

نزد خدا خداوندا رحمت و درود و زیاده کن

وبارك

وبارك على قمر الأقمار ونور الأنوار

و برکت ده بر ماه ماهها و روشنی روشنیها

وسليل الأطهار وقائد الأخيار الجليل

پاک و مقتدای برگزیدها بزرگ

المقدار الطهر الطاهر والبدر الباهر

اندازه پاک پاکیزه و ماه ظاهر

والنجم الزاهر والبحر الزاخر والدر الفاخر

و ستاره روشن و دریای عمیق و در جوبنده

السيد الوجيه الإمام النبيه المدفون

آقای مقبول پیشوای آگاه دفن کرده شده

عند أبيه الحبر المليّ عند العدو والولي

نزد پدر او سپاهی پر نزد دشمن و ولی

والمولى الوفي الإمام بالحق الأزلي أبي

و پیشوای وفا کننده براستی پدر

جعفر الأول محمد بن علي عليهما السلام

جعفر اول محمد پسر علی بر او باد درود

الصلوة والسلام عليك يا أبا جعفر

رحمت و درود بر تو ای پدر جعفر

يا محمد بن علي أيها الباقر يا ابن رسول

ای محمد پسر علی ای باقر ای پسر رسول

الله یا بن امیر المؤمنین یا حجة الله علی
خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای حجت خدا بر
خلقه یا سیدنا و مولینا انا توجهنا
خلق او ای آقای ما و مولای ما که ما رو آوردیم
و استشفعنا و توسلنا بک الی الله و
و طلب شفاعت کردیم ما و چنگ زدیم ما بتو بسوی خدا و
قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیها
پیش داشتیم ترا در نزد حاجتهای خود ای مقبول
عند الله اشفع لنا عند الله اللهم
نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا خداوندا
صل و سلم و زد و بارک علی الصادق
رحمت و درود و زیاده کن و برکت ده بر صادق
الصدیق العالم الوثیق الحلیم الشفیق و
راستگوی دانای معتمد بردبار مهربان و
الهادی الی سواء الطریق ساقی الشیعة
راه نماینده بسوی راه راست ساقی شیعه خود
من الرحیق و مبلغ اعدائه الی الحریق صاحب
از رحیق و رسانندهٔ دشمنان خود بسوی آتش صاحب
الشرف البدیع و الحسب المنیع و المجد
بزرگواری بلند مرتبه و اصل ثابت و بزرگواری

الرفیع

الرفیع و الفضل الجمیع الذی شرف
بلند مرتبه و افزونی همه که بزرگ شده اند
بجسده الطاهر ارض البقیع المهذب
ببدن او پاک زمین بقیع پاک توفیق
المؤید السید المسدد الامام المنجد
یافته شده آقای بزرگ پیشوای بزرگ
ابی عبد الله جعفر بن محمد علیهما
پدر عبد الله جعفر پسر محمد بر ایشان باد
السلام الصلوة و السلام علیک یا
درود رحمت و درود بر تو ای
ابا عبد الله یا جعفر بن محمد ایها
ابا عبد الله ای جعفر پسر محمد ای
الصادق یا بن رسول الله یا بن امیر المؤمنین
راستگو ای پسر رسول خدا ای پسر پادشاه گروندگان
یا حجة الله علی خلقه یا سیدنا و
ای حجة خدا بر خلقش ای آقای ما و
مولنا انا توجهنا و استشفعنا و
مولای ما که ما رو آوردیم و طلب شفاعت کردیم ما و
توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی
توسل جستیم بتو بسوی خدا و مقدم داشتیم بتو پیش روی

حاجاتنا یا وجیها عند الله اشفع لنا
حاجتهای ما ای مقبول نزد خدا شفاعت کن ما را
عند الله اللهم صل وسلم وزد و
نزد خدا خداوندا رحمت بفرست وزیاده کن و
بارك علی السید الكریم والإمام الحلیم
برکت ده بر بزرگ بزرگوار وپیشوای بردبار
وسمی الكلیم والصابر الكاظم
نامیده شده بکلیم وصبر کننده بسیار
قائد الجیش المدفون بمقابر قریش صاحب
لشکر دفن کرده شده بمقبر قریش صاحب
الشرف الانور والمجد الاظهر والجبین
بزرگی روشن وبزرگواری ظاهر تر
الازهر والنور الابهر الامام بالحق
روشن وروشن پیشوای بحق
ابی ابرهیم موسی بن جعفر علیهما
ابی ابراهیم موسی پسر جعفر بر ایشان باد
السلام الصلوة والسلام علیك
درود رحمت ودرود بر تو
یا ابا ابرهیم یا موسی بن جعفر ایها الكاظم
ای پدر ابراهیم ای موسی پسر جعفر ای کاظم

ایها العبد الصالح یا ابن رسول الله یا ابن
ای بنده صالح ای پسر رسول خدا ای پسر
امیر المؤمنین یا حجة الله علی خلقه یا
پادشاه گروندگان ای حجة خدا بر خلقش ای
سیدنا ومولینا انا توجهنا واستشفعنا
آقای ما ومولای ما که ما رو آوردیم وطلب شفاعت میکنیم
وتوسلنا بك الی الله وقدمناك بین
وتوسل میجوییم بتو بسوی خدا وپیش داشتیم ما ترا در
یدی حاجاتنا یا وجیها عند الله اشفع
پیش روی ما ای مقبول نزد خدا شفاعت کن
لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد
ما را نزد خدا خداوندا رحمت ودرود وزیاده کن
وبارك علی السید المعصوم والإمام
وبرکت ده بر آقای معصوم وامام
المظلوم والشهید المسموم والغریب
مظلوم وشهید مسموم وغریب
المغموم والقتیل المحروم عالم علم
مغموم وکشته محروم دانای علم
المكتوم بدر النجوم شمس الشموس
پوشیده وماه ستارها آفتاب آفتابها

انيس النفوس المدفون بارض طوس
مونس نفسها دفن کرده شده بزمین طوس
الرضى المرتضى المرتجى والسيف المنتضى
رضا راضی شونده وشمشیر
العادل في القضاء الامام بالحق ابي
عادل در حکم امام بحق پدر
الحسن الثاني علي بن موسى الرضا
حسن ثانی علی پسر موسی الرضا
عليهما السلام الصلوة والسلام
برایشان باد درود رحمت و درود
عليك يا ابا الحسن يا علي بن موسى ايها
بر تو ای پدر حسن ای علی پسر موسی ای
الرضا يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين
رضا ای پسر رسول خدا ای پسر پادشاه گروندگان
يا حجة الله على خلقه يا سيدنا و
ای حجت خدا بر خلقش ای آقای ما و
مولنا انا توجهنا واستشفعنا و
مولای ما که ما رو آوردیم و طلب شفاعت میکنیم و
توسلنا بك الى الله وقدمناك بين
چنگ میزنیم ما بتو بسوی خدا و پیش داشتیم ما ترا پیش

يدى

يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع
در نزد حاجتهای ما ای مقبول نزد خدا شفاعت کن
لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد
ما را نزد خدا خداوندا رحمت و درود و زیاده کن
وبارك على السيد العادل العالم العامل
و برکت ده بر آقای بهتر عادل عالم عمل کننده
والكريم الفاضل الكامل الباذل
و بزرگ افضل کامل باذل
والغيث الهاطل والشجاع الباسل
و باران و شجاع
الاجود الجواد العارف باسرار المبدأ
بخشنده شناسا باسرار مبدا
والمعاد ولكل قوم هاد مناص المحبين
و معاد و برای هر قوم راهنما فریادرس دوستان
يوم ينادي المناد المعروف بالسداد
روزیکه فریاد کنند فریاد کنندگان ببداد
المذكور في الهداية والارشاد المدفون
یاد کرده در راهنما و ارشاد دفن کرده شده
بارض بغداد السيد العربي والامام
بزمین بغداد آقای عرب و پیشوای

الاحمدی والنور المحمدی الملقب

احمدی و روشنی محمدی لقب داشته شده

بالتقی الامام بالحق ابی جعفر الثانی

بتقی پیشوای بحق ابی جعفر ثانی

محمد بن علی علیهما السلام الصلوة

محمد پسر علی بر ایشان باد درود رحمت

والسلام علیک یا ابا جعفر یا محمد

و درود بر تو ای ابا جعفر ای محمد

بن علی ایها التقی الجواد یا بن رسول

پسر علی ای تقی جواد ای پسر رسول

الله یا بن امیر المؤمنین یا حجة الله علی

خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای حجت خدا بر

خلقه یا سیدنا و مولینا انا

خلق او ای آقای ما و مولای ما که ما

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بک

رو آوردیم و طلب شفاعت میکنیم و توسل میجوییم بتو

الی الله وقدمناک بین یدی حاجاتنا

بسوی خدا و پیش داشتیم ترا پیش روی حاجتهای ما

یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله

ای مقبول نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا

اللهم

اللهم صل وسلم وزد وبارک علی

خداوندا رحمت و درود و زیاد کن و برکت ده بر

الامام الهمام المقتدی التمام السید

امام همام پیشوای تمام آقای

السند العالم المسدد الفاضل الکامل

پسند دانای فاضل کامل

الباذل العادل العامل العابد الاورع

عادل عمل کننده پرستنده

الاطهر الشمس الاظهر القمر الانور

پاک آفتاب ظاهر ماه روشن

الکوکب الازهر النور الابهر وارث

ستاره روشن وارث

الحرم والمشعر کهف التقی وغوث

حرم و مشعر پناه پرهیزکاران فریادرس

الوری طود النهی علم الهدی بدر

خلقان کوه خردمندیها دانایان راه ستاره

الدجی المدفون بسر من رای السید

درخشنده دفن کرده شدگان بسر من رای آقای

النقی الهادی الرضی الامام بالحق ابی

پرهیزکار راهنما خشنود امام براستی پدر

الحسن الثالث علي بن محمد النقي

حسن سیم علی پسر محمد نقی

عليهما السلام الصلوة والسلام عليك

بر ایشان باد درود رحمت و درود بر تو

يا علي بن محمد ايها النقي الهادي

ای علی پسر محمد نقی راهنما

يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا

پسر رسول خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای

حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولينا

حجت خدا بر خلقش ای آقای ما و مولای ما

انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

که ما رو آوردیم و طلب شفاعت میکنیم و توسل جوییم

بك الى الله وقدمناك بين يدي

بتو بسوی خدا و پیش داشتیم میان تما

حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع

حاجتهای ما ای مقبول آن نزد خدا شفاعت کن

لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد

ما را نزد خدا خداوندا رحمت و درود و زیاد کن

وبارك على الامام الزكي والهمام السمي

و برکت ده بر امام پاک و همام سمی

التمام الملي والسيد الولي السند التقي

تمام پر و آقای دوست حجت پاکیزه

والعالم الصفي لفاضل الوصي الكامل

و دانای برگزیده زیادتی وصی کامل

الرضي العادل المرضي العابد البهي و

خشنود عادل پرستنده و

النور المضي القمر السني الكوكب

روشنی روشن ماه ستاره

الدري الملقب بالعسكري سيد ولي

درخشنده ملقب عسکری آقای

النهى مقتدى اهل التقى العروق الوفي

پیشوای اهل پرهیزکار

والحجة على اهل الدنيا المدفون بسر من

و حجت بر اهل دنیا المدفون بسر من

راى كاشف البلوى والمحن صاحب

رای برطرف کننده بلاها و محنتها صاحب

الجود والمنن الامام بالحق ابي محمد

بخششها و منت پیشوای براستی پدر محمد

الحسن عليهما السلام الصلوة والسلم

حسن بر ایشان باد درود رحمت و درود

التمام

عليك يا ابا محمد يا حسن بن علي

بر تو اي پدر محمد اي حسن پسر علي

ايها الزكي العسكري يا بن رسول

اي پاک عسکري اي پسر رسول

الله يا بن امير المؤمنين يا حجة الله على

خدا اي پسر پادشاه گروندگان اي حجت خدا بر

خلقه يا سيدنا ومولنا انا توجهنا

خلقش اي آقاي ما ومولاي ما كه ما رو آورديم

واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله و

وطلب شفاعت ميكنيم وچنگ ميزنيم ما بتو بسوي خدا و

قدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها

پيش داشتيم درميان حاجتهاي خود اي مقبول آن

عند الله اشفع لنا عند الله اللهم

نزد خدا شفاعت كنيد ما را نزد خدا خداوندا

صل وسلم وزد وبارك على صاحب

درود ورحمت وزيادكن وبركت ده بر صاحب

الدعوة النبوية والصولة الحيدرية

دعوت پيغمبري وهيبت حيدري

والعصمة الفاطمية والحلم الحسنية

وعصمت فاطمي وبردباري حسني

والشجاعة

والشجاعة الحسينية والعبادة السجادية

وشجاعة حسيني وعبادت سجاديه

والمآثر الباقرية والآثار الجعفرية و

وعلامتهاي باقريه ونشانهاي جعفريه و

العلوم الكاظمية والحجج الرضوية

علمهاي كاظميه ودليلهاي رضويه

والجود التقوية والنقاوة النقوية

وبخشش تقويه وپاكي نقويه

والهيبة العسكرية القائم بالحق

وهيبت عسكريه ايستاده براستي

والداعي الى الصدق المطلق كلمة الله

وخواننده بسوي راست مطلق كلمه خدا

وامان الله وحجة الله المقسط لدين الله

وامان خدا ودليل خدا اطاعت كننده مر دين خدا

القائم بحكم الله الغالب بامر الله والذاب

ايستاده بحكم خدا غالب بامر خدا ودفع كننده

عن حرم الله امام السر والعلن دافع

از حرم خدا پيشواي پنهان وآشكار دفع كننده

الكرب والمحن الامام بالحق ابي القاسم

اندوه ومحن امام بحق ابي القاسم

محمد بن الحسن صاحب الزمان و
محمد پسر حسن صاحب الزمان و
خليفة الرحمن ومظهر الايمان و
جانشين بخشاينده وروشني ايمان و
قاطع البرهان وسيد الانس والجان
قطع كننده حجت وآقاي انس وجن
صلوات الله وسلامه عليه وعليهم
رحمتهاي خدا ودرود او براو وبرايشان
اجمعين الصلوة والسلام عليك
همه درود ورحمت برتو
يا وصي الحسن والخلف الصالح يا
اي وصي حسن وجانشين صالح اي
امام زماننا ايها القائم المنتظر
امام زمان اي ايستاده انتظار برنده
المهدي يا ابن رسول الله يا ابن امير
راهنما اي پسر رسول خدا اي پسر پادشاه
المؤمنين يا حجة الله على خلقه
گروندگان اي حجت خدا بر خلقش
يا سيدنا ومولنا انا توجهنا واستشفعنا
اي آقاي ما ومولاي ما كه ما رو آورديم وطلب شفاعت كرديم

ونوسلنا

وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين
وتوسل جستيم بتو بسوي خدا وپيش داشتيم ترا درميان
يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله
حاجتهاي خود اي مقبول نزد خدا
اشفع لنا عند الله اللهم ان هؤلاء
شفاعت كن ما را نزد خدا بار خدايا كه اين جماعت
ائمتنا وسادتنا وقادتنا وكبراؤنا
امامان ما وآقايان ما وبزرگان ما وبزرگان ما
وشفعاؤنا بهم نتولى ومن اعدائهم
وشفيعان ما بايشان پيوسته ام واز دشمنان ايشان
نتبرء في الدنيا والآخرة اللهم احفظ
بيزارم در دنيا وآخرت خداوندا حفظ كن
بهم عزتنا وامض بهم حوائجنا واكفنا
بايشان عزت ما وحكم كن بايشان حوائج ما وكفايت كن ما را
بهم ما اهمنا وفرج بهم همومنا
بايشان هم ما وفسعت ده بايشان هموم ما
واكشف بهم غمومنا واجل
وبرطرف كن بايشان غمهاي ما ودور كن
بهم احزاننا واصح بهم ابداننا ووسع
بايشان اندوه ما وصحت ده بايشان بدنهاي ما وفراخ كن

بهم ارزاقنا وطهر بهم اخلاقنا

بایشان روزیهای ما و پاک کن بایشان اخلاق ما

واذهب بهم املاقنا اللهم اجعل

و ببر بایشان املاق ما خداوندا بگردان

صلاتنا بهم مقبولة وذنوبنا بهم

نمازهای ما بایشان مقبول و گناهان ما بایشان

مغفورة وعيوبنا بهم مستورة و

آمرزیده و عیوب ما را بایشان پوشیده و

ارواحنا بهم طيبة واعمالنا بهم

روحهای ما را بایشان پاکیزه و عملهای ما را بایشان

مبرورة وقلوبنا بهم مسرورة و

و دلهای ما را بایشان خوشحال و

نفوسنا بهم مطهرة ودعوتنا بهم

نفسهای ما بایشان پاکیزه و خواندن ما بایشان

مستجابة وحوائجنا بهم مقضية

اجابت و حوایج ما بایشان برآورده

ودرجاتنا بهم مرفوعة وآفاتنا بهم

و مرتبهای ما بایشان بلند و آفتهای ما بایشان

مدفوعة وارزاقنا بهم مبسوطة

و روزیهای ما بایشان پهن گردیده

وانفسنا

وانفسنا بهم مكفرة واعدائنا بهم

و نفسهای ما بایشان بازداشته و دشمنان ما بایشان

مقهورة وارزاقنا بهم مدرورة

مقهوره و روزیها بایشان کشیده

اللهم انی اسئلك بحقهم عليك و

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بحق ایشان بر تو

بحقك عليهم ان تصلی علی محمد

بحق تو بر ایشان امر رحمت فرستی بر محمد

واله وان تغفر ذنبی وتفرج كربی

و آل او و آنکه بیامرزی گناه مرا و بگشا اندوه مرا

وتنفس همی وتكشف غمی وتطيل عمری

و بگشا هم مرا و برطرف کن غم مرا و دراز کن عمر مرا

وتوسع رزقی وتقضی دينی وتؤمن

و بگشا روزی مرا و برآور دین مرا

خوفی وتفك اسری وتشد ازری

ترس مرا و رها کن اسیری مرا و سخت کن

وتحط وزری وتمنحنی السلامة فی

بار مرا سلامت در

دينی ونفسی واهلی ومالی وولدی

دین من و جان من و اهل من و مال من و فرزند من

وتصلح لي احوالي وتبارك لي في اعمالي

وتصلاح آر مرا احوال من وبرکت ده مرا کار من

وتبلغني آمالي وتمتعني بسمعي

وبرسان مرا آرزوی مرا وبازدار مرا گوش من

وبصري وتجعلهما الوارثين مني

ودیده من وگردان آنها را وارثان از من

انك على كل شيء قدير وبالاجابة

که تو بر هر چیزی توانائی وباجابت

جدير وصلى الله على سيدنا

تازه ورحمت خدا بر آقای ما

ونبينا محمد واله الطيبين الطاهرين

وپیغمبر ما محمد وآل او پاکند پاکیزه اند

دعای اختتام سمات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم انت الاول فليس قبلك شيء

خداوندا توئی اول پس نیست پیش از تو چیزی

وانت الاخر فليس بعدك شيء وانت

وتوئی آخر پس نیست بعد تو چیزی وتوئی

الظاهر

الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن

ظاهر پس نیست بالای تو چیزی وتوئی باطن

فليس دونك شيء وانت العزيز الرحيم

پس نیست غیر تو چیزی وتوئی غالب مهربان

سبحانك لا اله الا انت يا حنان

پاکی تو ای نیست خدائی مگر تو ای احسان کننده

يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا

ای نعمت دهنده ای پدید آورنده آسمانها وزمین ای خداوند

الجلال والاكرام صل على محمد وال

بزرگوار وگرامی رحمت بر محمد وآل

محمد اللهم اني اسئلك بحق محمد

محمد خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بحق محمد

صلى الله عليه واله وانت المحمود

رحمت خدا براو وآل او وتوئی ستوده

وبحق علي وانت الاعلى وبحق فاطمة

وبحق علی وتوئی برتر وبحق فاطمه

وانت فاطر السموات والارض و

وتوئی پدید آورنده آسمانها وزمین و

بحق الحسن وانت المحسن وبحق الحسين

بحق حسن وتوئی نیکوکار وبحق حسین

وَاَنْتَ قَدیمُ الْاِحْسانِ اَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتی

و تو ای دیرینه احسان که قبول کنی توبه مرا

وَتَغْفِرَ لی ذُنُوبی وَتَقْضِیَ لی حاجَتی

و بیامرزی گناه مرا و برآوری برای من حاجت من

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ

بحق محمد و آل او که پاکان پاکیزه گانند

دُعای سمات

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظیمِ

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بنام تو که بزرگ

الْاَعْظَمِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذی

و بزرگترست عزیزتر و جلیل تر و گرامیتر که

اِذا دُعیتَ بِهِ عَلی مَغالِقِ اَبْوابِ السَّماءِ

هرگاه خوانده شوی تو بآن بر قفلهای درهای آسمان

لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَعَلی مَضائِقِ

برای گشوده شدن برحمت گشوده شود و بر تنگیهای

اَبْوابِ الْاَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَاِذا

درهای زمین برای باز شدن باز شود و هرگاه

دعیت

دُعیتَ بِهِ عَلَی الْعُسْرِ لِلْیُسْرِ تَیَسَّرَتْ وَاِذا

خوانده شدی بآن بر دشواری برای آسانی آسان شود و هرگاه

دُعیتَ بِهِ عَلَی الْاَمْواتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ

خوانده شوی بآن بر مردگان از برای زنده شدن زنده شوند

وَاِذا دُعیتَ بِهِ عَلی كَشْفِ الْبَأْساءِ وَ

و هرگاه خوانده شوی بآن بر زایل شدن بدی و

الضَّرّاءِ انْكَشَفَتْ وَبِجَلالِ وَجْهِكَ

بدحالی زایل گردند و ببزرگواری ذات تو

الْكَریمِ اَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَاَعَزِّ الْوُجُوهِ

که گرامی تر گرامی تر روها و عزیزتر روبها

الَّذی عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ

که ذلیلند مر اورا روبها و خاضع اند مر اورا

الرِّقابُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْاَصْواتُ وَوَجِلَتْ

گردنها و پست اند مر اورا صداها و ترسانند

لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ الَّتی

مر اورا دلها از ترس تو و بقوت تو که

تُمْسِكُ السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ

نگاه میداری آسمانها که نیفتد بر زمین

اِلّا بِاِذْنِكَ وَتُمْسِكُ السَّمواتِ وَالْاَرْضَ

مگر باذن تو و نگاهداری آسمانها و زمین را

أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ

که زایل شوند و از جای خود روند اگر نتوانند نگاهداشت از

أَحَدٍ مِنْ بَعْدِكَ وَعَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ

احدی از بعد تو و بخشیت تو که مطیع اند

لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ

مر آنرا جمیع عالم و بکلمه تو که آفریده

بِهَا السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ

بآن آسمانها و زمین و بحکمت تو

الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ وَخَلَقْتَ

که ساخته بآن عجیبه را و آفریده

بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا وَجَعَلْتَ

بآن ظلمت را و گردانیده آن ظلمت را شب و گردانیده

اللَّيْلَ سَكَنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَ

شب را محل آرامگاه و آفریده بآن روشنی را و

جَعَلْتَهُ نَهَارًا وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا

گردانیده آنرا روز و گردانیده روز را محل انتشار

مُبْصِرًا وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ

بینائی و آفریده بآن آفتاب را و گردانیده

ضِيَاءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ

روشنی را و آفریده بآن ماه را و گردانیده

القمر

الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا

ماه را نوری و آفریده بآن ستاره را و گردانیده آنرا

نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا

ستاره ها و برجها و چراغها و زینت و سنگ باران

وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ

و گردانیده برای آن مشرقها و مغربها و گردانیده

لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكًا

مر آنرا مواضعی که از آن طلوع کنند و جاری و گردانیده مر آنرا فلکی

وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ

و سیرگاهها و تقدیر کرده برای آن در آسمانها منزلها

فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ

پس نیکو تقدیر کرده و تصویر کرده پس نیکو

تَصْوِيرَهَا وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً

تصویر کرده و احصا کرده بنامهای تو احصا کردنی

وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا وَأَحْسَنْتَ

و تدبیر کرده آنهارا بحکمت تو تدبیر کردنی و نیکو کردی تو

تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَ

تدبیر آنرا و مسخر کرده آنهارا بپادشاهی شب و

سُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ

پادشاهی روز و ساعتها و شمار

السنين والحساب وجعلت رؤيتها

سالها وحساب دگر داینده تو وديدن آنرا

لجميع الناس مرة واحدا وأسئلك

برای همه مردم یک ديدن وسوال میکنم ترا

اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك

خداوندا بزرگواری تو که سخن گفتی بآن بنده تو

ورسولك موسى بن عمران عليه

ورسول تو موسی پسر عمران بر او باد

السلام في المقدسين فوق احساس

درود در مقدسين بالای صداهای

الكروبيين فوق غمائم النور

مقربان بالای ابرهای روشن

فوق تابوت الشهادة في عمود النار

بالای صندوق شهادت در عمود آتش

وفي طور سيناء وفي جبل حوريث

و در کوه طور سينا و در کوه حوريث

في الواد المقدس في البقعة المباركة

در وادی مقدس پاکیزه در بقعه بابرکت

من جانب الطور الأيمن من الشجرة وفي

از جانب کوه طور ايمن از درخت و در

ارض

أرض مصر بتسع آيات بينات ويوم فرقت

زمين مصر به آيات روشن و در روزيکه شکافتی

لبني إسرائيل البحر وفي المنبجسات التي

از برای بنی اسرائیل دریارا وظاهر گردی در نهرها که

صنعت بها العجائب في بحر سوف وعقدت

جوشيد بآن عجايبها در دریای سوف وبستی

ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة و

آب دریارا درمیان دریا مانند سنگ و

جاوزت ببني إسرائيل البحر وتمت

گذراینده بنی اسرائیل را از دریا وتمام شد

كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا وأورثتهم

وعده نیکوی تو بر ایشان بآنچه صبر کرده ومیراث دادی ایشانرا

مشارق الأرض ومغاربها التي باركت

مشرقهای زمین ومغربها که برکت دادی

عليهم فيها للعالمين وأغرقت فرعون

بر ایشان و آن برای عالمیان وغرق گردی فرعونرا

وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك

ولشکر اورا وچهارپایان اورا در دریا وبنام تو

العظيم الأعظم الأعز الأجل الأكرم

بزرگ بزرگتر است بزرگتر وگرامی تر

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ

وبزرگواری تو که تجلی کردی بآن برای موسی همراز خود

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سِينَاءَ وَلِاِبْرٰهِيمَ

براو باد درود در کوه طور سینا وبرای ابراهیم

خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي

دوست تو براو باد درود پیش ازان در

مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَلِاِسْحٰقَ صَفِيِّكَ

مسجد خیف وبرای اسحق برگزیده تو

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بِئْرِ شَيْعٍ وَلِيَعْقُوبَ

براو باد درود در چاه شیع وبرای یعقوب

نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ اِيلَ وَ

پیغمبر تو براو باد درود در خانهٔ خدا و

اَوْفَيْتَ لِاِبْرٰهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ

تمام شد برای ابراهیم براو باد درود به پیمان تو

وَلِاِسْحٰقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ وَ

وبرای اسحق براو باد درود بسوگند خود و

لِيَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَهَادَتِكَ

برای یعقوب براو باد درود بگواهی خود

وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَلِلدَّاعِينَ بِاَسْمَائِكَ

وبرای مؤمنان بوعده تو وبرای دعاکنندگان بنامهای تو

فاجبت

فَاَجَبْتَ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى

پس مستجاب کردی وبزرگواری تو که ظاهر شد برای موسی

بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ

پسر عمران براو باد درود بر قبهٔ

الرُّمَّانِ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَى اَرْضِ

رمان وبآیات تو که بلند شد بر زمین

مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ بِآيَاتٍ

مصر ببزرگواری عزت وغلبه بمعجزات

عَزِيزَةٍ وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِعِزَّةِ

غالبه وبپادشاهی قوت وبعزت

الْقُدْرَةِ وَبِشَانِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ وَ

توانائی وشان کلمه تامه و

بِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَفَضَّلْتَ

بکلمهای خود که تمامند که تفضل کردی

بِهَا عَلَى اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَ

بآن بر اهل آسمانها وزمین و

اَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ

اهل دنیا وآخرت وبرحمت تو

الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ

که منت گذاشته بآنها بر همه خلق تو و

باستطاعتك التي قمت بها على العالمين
بتوانائی تو که برپا داشته بآن بر عالمیان
وبنورك الذي قد خرّ من فزعه طور
وبنور تو که چخماق بزمین افتاده از ترس آن کوه طور
سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك
سینا وبعلم تو وجلال تو وبزرگواری تو
وعزّتك وجبروتك التي لم تستقلّها
وعزت تو وبزرگواری تو که نیاورد
الارض وانخفضت لها السموات
زمین را وپست شد مرآنرا آسمانها
وانزجر لها العمق الاكبر وركدت
ومنزجر شد مرآنرا عمق بزرگتر وساکن گردید
لها البحار والانهار وخضعت لها
مرآنرا دریاها ونهرها ومنقاد گردیده مرآنرا
الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها
کوهها وساکن گردیده مرآنرا زمین باکرانها
واستسلمت لها الخلائق كلها و
ومنقاد گردیده مرآنرا خلایق همه و
خفقت لها الرياح في جريانها وخمدت
مضطرب گردیده مرآنرا بادها در حرکت کردن آنها وفرو نشسته است

لها النيران في اوطانها وبسلطانك
مرآنرا آتشها در جاهای خود وبپادشاهی تو
الذي عرفت لك به الغلبة دهر
که شناخته شده مرترا بآن غلبه بودن بدهر
الدهور وحمدت به في السموات و
دهرها وسپاس کرده بآن در آسمانها و
الارضين وبكلمتك كلمة الصدق
زمین وبوعده تو وعده درست
التي سبقت لابينا آدم وذريته
که پیش مقرر شده برای پدرما آدم وفرزندان او
بالرحمة وأسئلك بكلمتك التي غلبت
برحمت وسوال میکنم ترا بوعده تو که غالب گردیده
كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت
هر چیزی وبنور ذات مقدس تو که تجلی کردی
به للجبل فجعلته دكاً وخرّ موسى
بآن برای کوه پس گردانیدی آنرا هموار وافتاد موسی
صعقاً وبمجدك الذي ظهر على
بیهوش وبزرگواری تو که ظاهر شد بر
طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك
طور سینا پس سخن گفتی بآن بنده تو ورسول تو

موسى بن عمران عليه السلام و

موسی پسر عمران براو باد درود و

بطلعتك في ساعير وظهورك في

بطلوع کردن تو در کوه ساعیر وظاهر شدن تو در

جبل فاران بربوات المقدسين و

کوه فاران در لشکرهای پاکیزگان و

جنود الملائكة الصافين و

لشکرهای ملائکه که صف کشیده اند و

خشوع الملائكة المسبحين وبركاتك

خشوع فرشتگان که تنزیه میکنند وبرکتهای تو

التي باركت فيها على ابرهيم خليلك

که برکت کرده در آن بر ابراهیم دوست تو

عليه السلام في امة محمد صلى

براو باد درود در امت محمد رحمت

الله عليه وآله وباركت لاسحق

خدا براو وآل او وبرکت مر اسحق

صفيك عليه السلام في امة عيسى

برگزیده تو براو باد درود در امت عیسی

عليه السلام وباركت ليعقوب

براو باد درود وبرکت مر یعقوب

اسرآئيلك عليه السلام في امة موسى

اسرائیل تو براو باد درود در امت موسی

عليه السلام وباركت لحبيبك

براو باد درود وبرکت مر دوست تو

محمد صلى الله عليه وآله في عترته

محمد رحمت خدا براو وآل او در خویشان او

وذريته وامته اللهم وكما

و فرزندان او وامت او خداوندا وچنانچه

غبنا عن ذلك ولم نشهده وامنا

غایب بودیم از این واورا ندیدیم وایمان آوردیم

به ولم نره صدقا وعدلا ان نسئلك

بآن ونه دیدیم اورا راستی وعدالت سؤال میکنیم ترا

ان تصلي على محمد وآل محمد و

که رحمت فرستی بر محمد وآل محمد و

ان تبارك على محمد وآل محمد

آنکه برکت دهی بر محمد وآل محمد

وان ترحم على محمد وآل محمد

وآنکه رحم کنی بر محمد وآل محمد

كافضل ما صليت وباركت وترحمت

مانند بهتر آنچه درود فرستادی وبرکت دادی وترحم کردی

وترحمت علی ابرهیم وال ابرهیم انك
وترحم کرد بر ابراهیم وآل ابراهیم که تو

حمید مجید فعال لما ترید وانت علی
ستوده بزرگواری کننده مر آنچه را خواهی وتو بر

کل شیء قدیر پس هر حاجت که داری ذکر
هر چیزی توانا

کن وبگو یا الله یا حنان یا منان یا
ای خدا ای بسیار رحمت کننده ای

بدیع السموات والارض یا ذا الجلال
بدید آورنده آسمانها وزمین ای خداوند جلال

والاکرام یا حی یا قیوم یا ارحم
وبزرگی ای زنده ای پاینده ای رحمتر

الراحمین پس بگو اللهم بحق هذا
از رحیمان خداوندا بحق این

الدعاء وبحق هذه الاسماء التی
دعا وبحق این نامها که

لا یعلم تفسیرها ولا تاویلها ولا
نمیداند تفسیر آن ونه تاویل آن ونه

یعلم ظاهرها ولا باطنها غیرك صل
میداند ظاهر آن ونه باطن آن غیر تو رحمت

علی محمد وآل محمد پس باز حاجت
بر محمد وآل محمد

خود را وفع شر هر که را خواهی یاد کن وبگو

واغفر لی ذنوبی ما تقدم منها وما
وبیامرز برای من گناهان مرا آنچه پیش کردم از آن وآنچه

تاخر ووسع علی من حلال رزقك
بعد ازین خواهم کرد وگشاده کن برمن از حلال روزی تو

واکفنی مؤنة انسان سوء وجار
ودفع کن از من ضرر هر آدم بدی را وهمسایه

سوء وسلطان سوء انك علی ما تشاء
بدرا وپادشاه بدرا که تو بر آنچه خواهی

قدیر وبکل شیء علیم آمین یا رب
توانائی وبهر چیزی دانائی اجابت کن ای پروردگار

العالمین وکرر بعضی از نسخ مصباح چنین است
عالمیان

صل علی محمد وآل محمد وافعل
رحمت بر محمد وآل محمد وبکن

بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا
بمن آنچه تو سزاوار آنی ومکن بمن آنچه من

آهله وانتقم لی ممن یؤذینی واغفر لی

سزاوار آنم و انتقام کش مرا از آنکه آزار رساند مرا و بیامرز مرا

ذنوبی تا آخر دعا که پیش گذشت و در مصباح

گناهان مرا

یافتی شده مذکور است که بعد ازین دعا اسمات بگوید

اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه

خداوندا بحق این دعا و بحق این

الاسماء التی لا یعلم تفسیرها ولا

نامها که نمیداند آنرا تفسیر آن و نه

تأویلها ولا باطنها ولا ظاهرها

تاویل آن و نه باطن آن و نه ظاهر آن

غیرک ان تصلی علی محمد وآل

غیر تو که رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد وان ترزقنی خیر الدنیا

محمد و آنکه روزی کنی مرا بهتر دنیا

والآخرة پس حاجات خود را طلب کند و بگوید

و آخرت

وافعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی

و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی و مکن بمن

ما انا

ما انا اهله وانتقم لی من فلان بن فلان

آنچه من سزاوار آنم و انتقام کش مرا از فلان پسر فلان

واغفر لی من ذنوبی ما تقدم منها وما

و بیامرز مرا از گناهان من آنچه پیش فرستاده ام از آن و آنچه

تأخر ولوالدی ولجمیع المؤمنین

بعد فرستاده و برای پدر و مادر و برای همه مردان گرونده

والمؤمنات ووسع علی من حلال

و زنان گرونده و فراخ گردان بر من از حلال

رزقک واکفنی مؤنة انسان سوء

روزی تو و کفایت کن از من مشقت آدم بدی

وجار سوء وسلطان سوء وقرین

و همسایه بدی و پادشاه بدی و همنشین

سوء ویوم سوء وساعة سوء وانتقم

بدی و روز بدی و ساعت بدی و انتقام کش

لی ممن یکیدنی وممن یبغی علی ویریدنی

مرا از آنکه مکر کند مرا و از آنکه ستم کند بر من و اراده کند بامن

بسوء وباهلی واولادی واخوانی و

بدی و باهل من و فرزندان من و برادران من و

جیرانی وقراباتی من المؤمنین و

همسایگان من و خویشان من از گروندگان و

الْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَ
زنان مؤمنه ستمی را که تو بر آنچه خواهی توانائی و
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
بهر چیزی دانا اجابت کن ای پروردگار جهانیان
پس بگوید اللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاءِ
خداوندا بحق این دعا
تَفَضَّلْ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
تفضل کن بر فقیران مردان مؤمن و زنان مؤمنه
بِالْغِنَى وَالثَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ
بتوانگری و کثرت مال و بر بیماری مردان مؤمن
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ وَ
و زنان مؤمنه بشفا دادن و صحت و
عَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
بر زندهای مردان مؤمن و زنان مؤمنه
بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ
بمهربانی و گرامی داشتن و بر مردهای گروندگان
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَ
و زنان گرونده بآمرزیدن و رحمت و
عَلَى مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ
بر مسافران مردان مؤمن و زنان مؤمنه برگردانیدن

إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِرَحْمَتِكَ
بسوی وطنهای خود با سلامتی و غنیمت برحمت تو
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى
ای رحیمتر از رحیمان و رحمت خدا بر
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعِتْرَتِهِ
آقای ما محمد خاتم پیغمبران و عترت او
الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا و دیگر بعضی
که پاکانند و سلام فرستاد و سلام فراوان بسیار
از کتب نقل کرده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از
دعای سمات این دعا را میخواندند يَا عُدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا
ای تهیه من نزد اندوه من و ای
غِيَاثِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي
فریادرس من نزد سختی من و ای دوست من در
نِعْمَتِي وَيَا مُنْجِحِي فِي حَاجَتِي وَيَا
نعمت من و ای برآورنده در حاجت من و ای
مَفْزَعِي فِي وَرْطَتِي وَيَا مُنْقِذِي مِنْ
پناه من در ورطه من و ای خلاص کننده من از
هَلَكَتِي وَيَا كَالِئِي فِي وَحْدَتِي
هلاک من و ای حفظ کننده من در تنهائی من

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ
رحمت بر محمد وآل محمد وبیامرز

لِي خَطِيئَتِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاجْمَعْ
مرا گناهان مرا و آسان کن برای من کار مرا وجمع کن

لِي شَمْلِي وَأَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي وَأَصْلِحْ لِي
برای من شمل مرا وبرآور برای من مطلب مرا وبسامان آر برای من

شَأْنِي وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَاجْعَلْ لِي
کار مرا وکفایت کن از من مهمات مرا وبگردان مرا

مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَلَا تُفَرِّقْ
از کار من فرجی وبیرون شدنی وجدائی میفکن

بَيْنِي وَبَيْنَ الْعَافِيَةِ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي
میان من ومیان عافیت همیشه تا وقتی که باقی داری

وَعِنْدَ وَفَاتِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي يَا أَرْحَمَ
ونزد مردن من هرگاه بمیرانی مرا ای رحیمتر

الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
از رحیمان ورحمت خدا برآقای ما محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
وآل محمد ای پروردگار عالمیان

دُعَاءِ صَبَاح

بسم الله

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ
ای آنکه بیرون آورد زبان صباح را بگویائی درخشندگی آن

وَسَرَّحَ قِطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاهِبِ
ورها کرد پارهای شب تاریک را از تاریکیها

تَلَجْلُجِهِ وَأَتْقَنَ صُنْعَ الْفَلَكِ الدَّوَّارِ
بهم برآمدگی آن واستوار کرد آفرینش چرخ گردنده را

فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ وَشَعْشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ
در اندازهای زینت آن وآمیخته روشنی آفتاب را

بِنُورِ تَأَجُّجِهِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ
بنور افروختگی ای آنکه دلالت کرد بر ذات خود

بِذَاتِهِ وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ
بذات خود ومنزه است از همجنس ومشابهه آفریده شدهای خود

وَجَلَّ عَنْ مُلَاءَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ يَا مَنْ
وبزرگ وبلند است از متابعت چگونگیهای خلق خود ای آنکه

قَرُبَ مِنْ خَوَاطِرِ الظُّنُونِ وَبَعُدَ عَنْ
نزدیکست از اندیشهای دانشها ودورست از

مُلَاحَظَةِ الْعُيُونِ وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ
نگریستن چشمها ودانسته آنچه را بود پیش از

أن يكون يا من رقدني في مهاد أمنه

آنكه بود اى آنكه خوابانيده مرا در بستر امن خود

وأمانه وأيقظني إلى ما منحني به من

و امان خود و بيدار ساخته مرا بآنچه بخشش فرموده بآن از

مننه وإحسانه وكفّ أكفّ السوء

نعمتهاى خود و نيكوئى خود و باز داشته سرپنجهاى بديها را

عنّي بيده وسلطانه صلّ اللهمّ على

از من بدست خود و پادشاهى خود رحمت فرست خداوندا بر

الدليل إليك في الليل الأليل و

راهنماى بتو در شب بسيار تاريك و

الماسك من أسبابك بحبل الشرف

دست زننده از وسيلهاى تو بريسمان بزرگوارى

الأطول والناصع الحسب في ذروة

بسيار بلند و صاحب حسب پاكيزه در بلندى

الكاهل الأعبل والثابت القدم

خواهش بسيار و ثابت قدم

على زحاليفها في الزمن الأوّل و

بر مكان سراشيب در زمان اول و

على آله الأخيار المصطفين الأبرار

بر آل او نيكان برگزيدگان نيكوكارانند

وافتح اللهمّ لنا مصاريع الصباح

و بگشا خداوندا براى ما درهاى صباح را

بمفاتيح الرحمة والفلاح وألبسني اللهمّ

بكليدهاى رحمت و رستگارى و بپوشان مارا خداوندا

من أفضل خلع الهداية والصلاح

از بهترين خلعتهاى راهنمائى و صلاح

واغرس اللهمّ لعظمتك في شرب

و بكار خداوندا بعظمت و بزرگى تو در بهره آب

جناني ينابيع الخشوع وأجر اللهمّ

زندگانى من چشمهاى فروتنى و روان ساز خداوندا

لهيبتك من آماقي زفرات الدموع

براى ترس خود از كنجهاى چشم من در نكوهيده اشكها را

وأدّب اللهمّ نزق الخرق منّي بأزمّة

و ادب كن خداوندا تندى خوى مرا بمهارهاى

القنوع إلهي إن لم تبتدئني الرحمة

خوارى خداوندا اگر ابتدا نكند مرا رحمتى

منك بحسن التوفيق فمن السالك بي

از تو به نيكوئى توفيق پس كيست راه آورنده مرا

إليك في واضح الطريق وإن أسلمتني

بسوى تو در روشن ترين راههاى آخرت و اگر واگذارد مرا

أناتك لقائد الأمل والمنى فمن المقيل
حلم تو کشاینده آرزو و خواهشها پس کیست در گذرنده
عثراتي من كبوة الهوى وإن خذلني
لغزشهای من از سر در آمدنهای هوس و اگر خوار گرداند مرا
نصرك عند محاربة النفس والشيطان
نصرت تو نزد کارزار نفس و شیطان
فقد وكلني خذلانك إلى
پس بتحقیق واخواهد گذاشت مرا فرو گذاشتن تو بسوی
حيث النصب والحرمان إلهي أتراني
رنج و نومیدی ای خدای من آیا می بینی مرا
ما أتيتك إلا من حيث الآمال أم علقت
که نیامده ام بتو مگر از برای آرزوها یا در آویزم
بأطراف حبالك إلا حين باعدتني
بکنارهای ریسمانهای تو مگر هنگامیکه دور کرده مرا
ذنوبي عن دار الوصال فبئس المطية
گناهان من از سرای وصال پس بد ستوریست
التي امتطت نفسي من هواها فواها
که بآن سوار شده نفس من از هوسها پس دردا و دریغا
لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا
مر آنچه زینت داده برای آن گمانها و هلاک آمد آن نفس

طا

لها لجرأتها على سيدها ومولاها
بسبب جرأت آن بر آقای خود و صاحب اختیار خود
إلهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي
ای خدای من کوفته ام در رحمت ترا بدست امید داری خود
وهربت إليك لاجئا من فرط أهوائي
و گریخته ام بسوی تو در حالت پناه آوردن از زیادتی خواهشهای خود
وعلقت بأطراف حبالك أنامل
و آویخته ام بکنار ریسمانهای تو سر انگشتهای
ولائي فاصفح اللهم عما كنت أجرمته
محبت خود پس در گذر خداوندا از آنچه کرده بودم آنرا
من زللي وخطائي وأقلني اللهم من
از لغزش خود و گناه خود و در گذران از من خداوندا از
صرعة ردائي فإنك سيدي ومولاي
افتادگی ردای من پس تو ئی بزرگ من و صاحب اختیار من
ومعتمدي ورجائي وغاية مناي
و محل اعتماد من و امیدگاه من و منتهای طلب کردنهای من
في منقلبي ومثواي إلهي كيف تطرد
در آرزوهای من و محل بازگشت من خدای من چگونه نومید میکنی
مسكينا التجأ إليك من الذنوب هاربا
بیچاره را که پناه آورده بتو از گناهان گریزان

أم كيف تخيب مسترشداً قصد إلى
یا چگونه نومید میکنی راه راست جوی را که رو آورده بسوی

جنابك ساعياً أم كيف ترد ظمآناً
آستان تو شتابان یا چگونه رد میکنی تشنه را

ورد إلى حياضك شارباً كلا
که وارد شده بسوی حوضهای تو آب خوران حاشا که چنین کنی

وحياضك مترعة في ضنك المحول
و حوضهای تو لبالب در تنگی خشک سال

وبابك مفتوح للطلب والوغول وأنت
و درگاه تو گشاده است برای طلب کردن و داخل شدن و تو ای

غاية السؤل ونهاية المأمول إلهي
نهایت سؤال کرده شده و نهایت امید داشته خدای من

هذه أزمة نفسي عقلتها بعقال
اینها مهار نفس منست که سخت کردم آنها را بزانو بند

مشيتك وهذه أعباء ذنوبي
ارادت تو و اینها ظرفهای گناهان منست

درأتها برحمتك وعفوك ورأفتك
که دفع کردم آنها را برحمت تو و عفو تو و مهربانی تو

وهذه أهوائي المضلة وكلتها إلى
و اینها هواها و هوسهای گمراه کننده منست واگذاشته مرا بسوی

جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي هذا
آستانه لطف تو پس بگردان خداوندا صباح مرا این

نازلاً علي بضياء الهدى والسلامة في
رو آینده برمن بروشنی راه نمائی و سلامت در

الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد
دین و دنیا و بگردان شام مرا سپری از کید

العدى ووقاية من مرديات الهوى
دشمنان و نگاه دارنده از هلاک کننده های خواهش

إنك قادر على ما تشاء تؤتي الملك
بدرستی که تو توانائی بر آنچه خواهی میدهی پادشاهیرا

من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز
بهر که خواهی و میگیری پادشاهیرا از آنکه خواهی و عزیز میکنی

من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير
هر کرا خواهی و ذلیل میکنی هر کرا خواهی بدست تست خیر

إنك على كل شيء قدير تولج الليل
که تو بر همه چیزی توانائی در می آوری شب را

في النهار وتولج النهار في الليل و
در روز و در می آوری روز را در شب و

تخرج الحي من الميت وتخرج الميت من
در می آوری زنده را از مرده و بیرون آوری مرده را از

الحی و ترزق من تشاء بغیر حساب لا

از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بی حساب نیست

اله الا انت سبحانک اللهم و بحمدک

خدائی مگر تو پاکی تو خداوندا و بحمد تو مشغولم

من ذا یعرف قدرتک فلا یخافک و

کیست که بشناسد توانائی ترا پس نترسد از تو و

من ذا یعلم ما انت فلا یهابک الفت

کیست که بداند کیستی تو پس بیم نداشته باشد که الفت دادی

بقدرتک الفرق و فلقت برحمتک

بتوانائی خود طایفهارا و شکافتی برحمت خود

الفلق و انرت بکرمک دیاجی

سپیده صبح را و روشن گردانیدی بکرم خود تاریکیهای

الغسق و انهرت المیاه من الصم

شب را و روان کردی آبهارا از سیلهای

الصیاخید عذبا و اجاجا و انزلت

صلب میان سخت شیرین و شور و تلخ و فرو فرستادی

من المعصرات ماء ثجاجا و جعلت

از ابرهای بارنده آبی ریزان و گردانیدی

الشمس و القمر للبریة سراجا وهاجا

آفتاب و ماه را برای خلایق چراغی افروخته

من غیر ان تمارس فیما ابتدات به لغوبا

از غیر آنکه ممارست کنی تو در آن ابتدا کرده بآن سختی

ولا علاجا فیا من توحد بالعز و

و نه علاجی پس ای آنکه یگانه شده بغلبه و

البقاء و قهر عباده بالموت و الفناء

پایندگی و مغلوب ساخته بندگان خود را بمرگ و فنا

صل علی محمد و آله الاتقیاء و استمع

رحمت بر محمد و آل او که پرهیزکارانند و بشنو

ندائی و استجب دعائی و حقق بفضلک

فریاد مرا و مستجاب کن دعای مرا و یقین گردان بفضل خود

املی و رجائی یا خیر من دعی لکشف

آرزوی مرا و امید مرا ای بهترین کسی که خوانده بجهة دفع

الضر و المامول لکل عسر و یسر

بدحالی و امید داشته شده برای هر دشواری و آسانی

بک انزلت حاجتی فلا تردنی یا سیدی

بتو فرود آورده حاجت خود را پس باز مگردان مرا ای آقای من

من سنی مواهبک خائبا یا کریم یا

از بلندیهای بخششهای خود نومید ای گرامی ای

کریم یا کریم انک علی کل شیء قدیر و بالاجابة

گرامی ای گرامی بدرستی تو بر هر چیز توانائی و باجابت

جديد و صلّى الله على سيّدنا محمّد

تازه و رحمت خدا بر آقای ما محمّد

وآله الطيّبين الطاهرين المعصومين

و آل او که پاکان پاکیزگانند عصمت دارندگان

زيارت عاشورا

السلام عليك يا ابا عبد الله السلام

سلام بر تو ای ابا عبد الله سلام

عليك يا ابن رسول الله السلام عليك

بر تو ای پسر رسول خدا سلام بر تو

يا ابن امير المؤمنين وابن سيّد الوصيّين

ای پسر پادشاه گروندگان و پسر بزرگ وصیین

السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء

سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا

سيّدة نساء العالمين السلام عليك

بزرگ زنان عالمیان سلام بر تو

يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور

ای خون خدا و پسر خونخواه او و طلب کننده طلب کنندها

السلام عليك وعلى الارواح التي

درود بر تو و بر روحها که

حلّت

حلّت بفنائك عليكم منّي جميعا سلام

فرود آمده پیش سرای تو بر شما از من همه درود

الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار

خدا همیشه مادام که باقی مانده و باقی باشد شب و روز

يا ابا عبد الله لقد عظمت الرزيّة و

ای ابا عبد الله بتحقیق بزرگ شده مصیبت و

جلّت المصيبة بك علينا وعلى

فرود آمده مصیبت بتو بر ما و بر

جميع اهل الاسلام وجلّت وعظمت

همه اهل اسلام و بزرگ گشت و عظیم شده

مصيبتك في السموات على جميع اهل

مصیبت تو در آسمانها بر همه اهل

السموات فلعن الله امّة اسّست اساس

آسمانها پس لعنت کند خدا گروهی را که بنا نهادند اساس

الظلم والجور عليكم اهل البيت و

ظلم و ستم را بر شما اهل بیت و

لعن الله امّة دفعتكم عن مقامكم و

لعنت کند خدا گروهی را که دفع کرده شما را از جای شما و

ازالتكم عن مراتبكم التي رتّبكم الله فيها

بر طرف کرده شما را از مراتب شما که قرار داده مرتبه شما را خدا در آن

ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله الممهدين
ولعنت کند خدا گروهی را که کشتند شمارا ولعنت کند خدا مهید کنندگان

لهم بالتمكين من قتالكم برئت الى الله و
مرایشانرا بتمکین از کارزار شما بیزاری بسوی خدا و

اليكم منهم ومن اشياعهم واتباعهم
بشما از ایشان واز پیروان ایشان وتابعان ایشان

واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم لمن
ودوستان ایشان ای ابا عبدالله که من صلحم باکسیکه

سالمكم وحرب لمن حاربكم الى يوم
صلح است با شما وجنگم باکسیکه جنگ کرد با شما تا روز

القيمة ولعن الله آل زياد وآل مروان
قیامت ولعنت کند خدا آل زیاد وآل مروان را

ولعن الله بني امية قاطبة ولعن الله ابن
ولعنت کند خدا بنی امیه را تمامه ولعنت کند خدا پسر

مرجانة ولعن الله عمر بن سعد و
مرجانه را ولعنت کند خدا عمر پسر سعد را و

لعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت و
لعنت کند خدا شمر را ولعنت کند خدا گروهیرا که زین کردند و

الجمت وتهيأت وتنقبت لقتالك بابي
لجام کردند وآماده شدند ونقاب کردند برای کارزار تو پدرم و مادرم

انت وامي لقد عظم مصابي بك
فدای تو بتحقیق بزرگ شده مصیبتهای من بتو

فاسئل الله الذي اكرم مقامك و
پس سوال میکنم خدا که گرامیداشت مقام ترا و

اكرمني بك ان يرزقني طلب ثارك
گرامیداشت مرا بتو که روزی کند مرا طلب خون تو

مع امام منصور من اهل بيت محمد
با امام یاری کرده شده از اهل بیت محمد

صلى الله عليه واله اللهم اجعلني
رحمت خدا براو وآل او خداوندا بگردان مرا

عندك وجيها بالحسين عليه السلم
نزد خود پسندیده بحسین براو باد درود

في الدنيا والآخرة يا ابا عبد الله اني
در دنیا وآخرت ای ابا عبدالله بدرستیکه

اتقرب الى الله والى رسوله والى امير
نزدیکی میجویم بسوی خدا وبسوی رسول او وبسوی پادشاه

المؤمنين والى فاطمة والى الحسن واليك
گروندگان وبسوی فاطمه وبسوی حسن وبسوی تو

بموالاتك وبالبراءة ممن قاتلك ونصب
بسبب دوستی تو وبیزاری از آنکه کارزار کرد ترا ونصب کرده

لك الحرب وبرائة ممن اسس اساس
برای تو حرب را و بیزاری از آنکه بنا نهاد اساس
الظلم والجور عليكم وابرأ الى الله
ظلم و ستم را بر شما و بیزاری بسوی خدا
والى رسوله ممن اسس اساس ذلك وبنى
و بسوی رسول او از آنکه بنا نهاد اساس آنرا و بنا نهاد
عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره
بر او بنیان او را و جاری گردانید در ظلم او و ستم او
عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله
بر شما و بر پیروان شما بیزاری بسوی خدا
واليكم منهم واتقرب الى الله والى
و بسوی شما از ایشان و نزدیکی بسوی خدا و بسوی
رسوله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة
رسول او پس بسوی شما بدوستی شما و دوستی
وليكم وبالبراءة من اعدائكم والناصبين
دوست شما و بیزاری از دشمن شما و نصب کنندگان
لكم الحرب وبالبراءة من اشياعهم و
مر شما را جنگ و بیزار شدن از پیروان ایشان و
اتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب
تابعین ایشان که من صلح با کسی که صلح است با شما و جنگم

لمن

لمن حاربكم وولي لمن والاكم وعدو لمن
با کسی که جنگ است با شما و دوستم با کسی که دوست است با شما و دشمنم با کسیکه
عاداكم فاسأل الله الذي اكرمني
دشمن است شما را پس می پرسم از خدا که گرامی داشت مرا
بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني
بشناختن شما و شناختن دوستان شما و روزی کرد مرا
البراءة من اعدائكم ان يجعلني معكم في
بیزاری از دشمنان شما که بگرداند مرا با شما در
الدنيا والآخرة وان يثبت لي عندكم
دنیا و آخرت و آنکه ثابت دارد مرا نزد شما
قدم صدق في الدنيا والآخرة و
ثابت قدم راست در دنیا و آخرت و
اسأله ان يبلغني المقام المحمود
سؤال میکنم او را که برساند مرا بمکان پسندیده
لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاركم
مر شما را نزد خدا و آنکه روزی کند مرا طلب خون شما
مع امام مهدي ظاهر ناطق منكم و
امام مهدی ظاهر گویا از شما و
اسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم
سؤال میکنم خدا را بحق شما و بشانی که مر شما راست

عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ

از او که عطا کند مرا مصیبتهای من بشما از زیاده

مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً

آنچه عطا میکند مصیبتهای گذشته مصیبتی که

مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ

بزرگست آن و بزرگست مصیبتهای آن در اسلام

وَفِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ

و در همه اهل آسمانها و زمین

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هٰذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ

خداوندا بگردان مرا در مقام من این از کسی که میرسد او را

مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ اَللّٰهُمَّ

از تو رحمتها و رحمتی و آمرزش خداوندا

اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بگردان زندگانی مرا زندگانی محمد و آل محمد

وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ

و مردن مرا مردن محمد و آل محمد خداوندا

إِنَّ هٰذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَ

بدرستی که این روزیست که برکت جستند در بنی امیه و

ابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ

پسر خورنده اکباد لعین پسر لعین

علی

عَلَىٰ لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بر زبان پیغمبر تو رحمت خدا بر او و آل او

فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ

در هر موطن و موقفی در آنجا

نَبِيُّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ

پیغمبر تو رحمتهای تو بر او و آل او خداوندا

الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ

لعنت کن ابا سفیان و معویه پسر ابی سفیان

وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ

و یزید پسر معویه بر ایشان از تو لعنت که

أَبَدَ الْآبِدِينَ وَهٰذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ

همیشه باشند و این روزیست که خوش شدند بآن آل

زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ

زیاد و آل مروان بکشتن ایشان حسین

صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ

رحمتهای تو بر او و آل او خداوندا

فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ

پس مضاعف کن بر ایشان لعنت از تو و عذاب

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ

خداوندا بدرستی که نزدیکی میجویم بتو در این روز

وَفِي مَوْقِفِي هٰذَا أَيَّامَ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ

و در ایستادنگاه من این و ایام زندگانی من به بیزاری

مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ بِالْمُوَالَاةِ

از ایشان و لعنت بر ایشان و بسبب دوستی

لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

مر پیغمبر تو و آل پیغمبر تو بر ایشان باد درود

پس صد مرتبه میگوئی اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

خداوندا لعنت کن

أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اول ستم کننده که ستم کرد حق محمد و آل محمد

وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَىٰ ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ

و آخر کسی متابعت کرده مر او را بر آن خداوندا لعنت کن

الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ

لشکری را که جهاد کردند حسین بر او باد

السَّلَامُ وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ

درود و پیروی کردند و بیعت کردند و متابعت کردند

عَلَىٰ قَتْلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا وصد مرتبه

بر قتل او خداوندا لعنت کن ایشان را همه

میگوئی اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ

درود بر تو ای ابا عبد الله

اللهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

و بر روحها که فرود آمدند بسرای تو

عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللهِ أَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ

بر تو از من سلام خدا همیشه مادام که باقی ماند و باقی باشد

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ

شب و روز و نگرداند خدا آخر

الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَى

عهد را از من مر زیارت شما را درود بر

الْحُسَيْنِ وَعَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَىٰ

حسین و بر علی پسر حسین و بر

أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَىٰ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

اولاد حسین و بر یاران حسین

عَلَيْهِ السَّلَامُ پس میگوئی اَللّٰهُمَّ خُصَّ

بر او باد درود خداوندا خاص کن

أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ

تو اول ظلم کننده ملعنت کردن از من و ابتدا کن باو

أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ ثُمَّ الرَّابِعَ

اول پس ثانی پس سیم پس چهارم

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ خَامِسًا

خداوندا لعنت کن یزید پسر معویه را پنجم

والعن عبید الله بن زیاد وابن مرجانة

ولعنت کن عبید الله پسر زیاد را و پسر مرجانه را

وعمر بن سعد وشمراً وآل ابی سفیان

و عمر پسر سعد را و شمر و آل ابی سفیان

وزیاداً وآل زیاد ومروان وآل

و زیاد و آل زیاد و مروان و آل

مروان الی یوم القیمة پس بسجده برو

مروان تا روز رستخیز

بگو در سجده اللهم لك الحمد حمد

خداوندا مر تراست حمد حمد کنندگان

الشاکرین لك علی مصابهم الحمد

شکرگویندگان مر ترا بر مصیبتهای ایشان سپاس

لله علی عظیم رزیتی اللهم ارزقنی

مر خدا را بر بزرگی مصیبت من خداوندا روزی کن مرا

شفاعة الحسین علیه السلام یوم

شفاعت حسین بر او باد درود روز

الورود وثبت لی قدم صدق عندك

وارد شدن و ثابت دار مرا قدم راستی نزد تو

مع الحسین واصحاب الحسین الذین

با حسین و یاران حسین آنانکه

بذلوا

زیارت علقمه

بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام

بخشیدند خونهای خود را نزد حسین بر او باد درود

پس دو رکعت نماز زیارت بکن و بگو بعد از نماز

یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین

الخدا الخدا ای پذیرنده دعای درماندگان

ویا کاشف کرب المکروبین ویا غیاث

وای زایل کننده اندوه اندوهناکان وای فریادرس

المستغیثین ویا صریخ المستصرخین

فریادرس طلبان وای دادرس دادخواهان

ویا من هو اقرب الیّ من حبل الورید

وای آنکه او نزدیکتر بمن از رگ گردن

ویا من یحول بین المرء وقلبه ویا من

وای آنکه حایل میشود میان مرد و دل او وای آنکه

هو بالمنظر الاعلی وبالافق المبین و

او در دیدگاه بلند و درجات روشن و

یا من هو الرحمن الرحیم علی العرش استوی

ای آنکه او بخشاینده مهربانست بر عرش مستولی

ویا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی

وای آنکه میداند اشاره دیده ها و آنچه پنهانست

الصدور ويا من لا تخفى عليه خافية

سینها و ای آنکه پنهان نیست بر او هیچ پنهانی

ويا من لا تشتبه عليه الأصوات ويا من

و ای آنکه مشتبه نشود بر او آوازها و ای آنکه

لا تغلطه الحاجات ويا من لا يبرمه إلحاح

بغلط نمی اندازد او را حاجتها و ای آنکه بتنگ نیارد او را مبالغه

الملحين يا مدرك كل فوت ويا جامع

مبالغه کنندگان ای دریابنده هر فوت شده و ای فراهم آورنده

كل شمل ويا بارئ النفوس بعد

هر پراکنده و ای پدید آورنده نفسها پس از

الموت يا من هو كل يوم في شأن يا قاضي

مردن ای آنکه او هر روز در کاریست ای برآرنده

الحاجات يا منفس الكربات يا معطي

حاجتها ای زایل کننده اندوهها ای بخشنده

السؤلات يا ولي الرغبات يا كافي

سؤالها ای روا کننده خواهشها ای کارگذار

المهمات يا من يكفي من كل شيء ولا يكفي

کارهای سخت ای آنکه بی نیاز میکرداند از هر چیزی و بی نیاز نمیگرداند

منه شيء في السموات والأرض أسألك

از او چیزی در آسمانها و زمین سؤال میکنم ترا

بحق

بحق محمد خاتم النبيين وعلي أمير

بحق محمد آخر پیغمبران و علی پادشاه

المؤمنين وبحق الحسن والحسين فإني

گروندگان و بحق حسن و حسین پس بدرستی که

بهم أتوجه إليك في مقامي هذا وبهم

بایشان رو میکنم بتو در جایگاه من این و بایشان

أتوسل وبهم أتشفع إليك وبحقهم

توسل میجویم و بایشان شفاعت میجویم بتو و بحق ایشان

أسألك وأقسم وأعزم عليك و

سؤال میکنم ترا و قسم میدهم و آهنگ میکنم بر تو و

بالشأن الذي لهم عندك وبالذي

بمرتبه که مر ایشان راست نزد تو و بآنچه

فضلتهم على العالمين وباسمك الذي

زیادتی دادی ایشان را بر عالمیان و بنام تو که

جعلته عندهم وبه خصصتهم دون

گردانیده او را نزد ایشان و بآن مخصوص گردانید ایشان را غیر

العالمين وبه أبنتهم وأبنت فضلهم

عالمیان و بآن ممتاز گردانید ایشان را و امتیاز داد فضل ایشان را

فضل العالمين حتى فاق فضلهم فضل

زیادتی جهانیان تا آنکه فایق آمد فضل ایشان فضل

العالمين أسئلك أن تصلي على محمد
جهانيان سؤال ميكنم ترا كه رحمت فرستي بر محمد
وآل محمد وأن تكشف عني غمي وهمي وكربي
وآل محمد واينكه زايل كني از من غم وهم مرا واندوه مرا
وتكفيني المهم من أموري وتقضي عني
وكفايت كني مهم از كارهاي مرا وبرآوري از من
ديني وتجيرني من الفقر وتجيرني
قرض مرا وپناه آوري مرا از بي نيازي مرا وپناه آوري
من الفاقة وتغنيني عن المسئلة إلى
از بي نيازي مرا بي نياز كني مرا از سؤال كردن بسوي
المخلوقين وتكفيني هم من أخاف همه
آفريدگان ودفع كني از من اندوه مرا كه ميترسم از اندوه او
وعسر من أخاف عسره وحزونة من أخاف
وشدت آنكه ميترسم از شدت او ودرشتي آنكه ميترسم از
حزونته وشر من أخاف شره ومكر
درشتي او وگزند آنكه ميترسم از گزند او ومكر
من أخاف مكره وبغي من أخاف بغيه
آنكه ميترسم از مكر او وستم آنكه ميترسم از ستم او
وجور من أخاف جوره وسلطان من
وجور آنكه ميترسم از جور او وپادشاهي آنكه

أخاف سلطانه وكيد من أخاف
ميترسم از پادشاهي او وبد انديشي آنكه ميترسم
بلاء مقدرته علي وترد عني كيد
از رحمت سلطان او بر من وبرگرداني از من كر
الكيدة ومكر المكرة اللهم ومن أرادني
مكاران ومكر مكاران خداوندا وهركه اراده كند مرا
فأرده ومن كادني فكده واصرف عني
پس اراده كن او را وهركه كر كند مرا پس كر كن او را وبگردان از من
كيده ومكره وبأسه وأمانيه و
كر او را وحيله او را وسختي او را وآرزوهاي او را و
امنعه عني كيف شئت وأنى شئت
بازدار او را از من بهر روش كه خواهي وهرجا كه خواهي
اللهم اشغله عني بفقر لا تجبره و
خداوندا بازدار از من باحتياجي كه تدارك نكني آنرا
ببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها
بلائي كه بپوشاني آنرا وتنگدستي كه نبندي آنرا
وبسقم لا تعافيه وبذل لا تعزه
وبيماري كه شفا نبخشي او را وبخواري كه بعزت بدل نسازي آنرا
وبمسكنة لا تجبرها اللهم اضرب
وبفقري كه تدارك نكني آنرا خداوندا بزن

بالذل نصب عينيه وادخل عليه
خوار برا برابر دیدهای او ودرآور براو
الفقر في منزله والعلة والسقم في
شکستگی را درجایگاه او وعلت وبیماری در
بدنه حتى تشغله عني بشغل شاغل
بدن او تا آنکه بازداری او را از من بشغلی مشغول سازنده
لا فراغ له وانسه ذكري كما انسيته
نباشد فراغی برای او وفراموش گردان یاد مرا چنانکه فراموش کرده
ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره و
یاد تو وفراگیر از من گوش او را وديده او را و
لسانه ويده ورجله وقلبه وجميع
زبان او را ودست او را وپای او را ودل او را وهمه
جوارحه وادخل عليه في جميع
جوارح او را ودرآور براو درهمه
ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل
آن بیماری وشفا مده او را تا آنکه بگردانی
ذلك له شغلا شاغلا به عني وعن
بیماری را برای آن شغلی که باز دارد او را از من واز
ذكري واكفني يا كافي من لا يكفي
یاد من وکفایت کن مرا ای کارگذار که کفایت نمیکند

سواك

سواك فانك الكافي لا كافي سواك
غیر تو پس توئی کارگذار که نیست کارگذاری غیر تو
ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا
وگشاینده نیست گشاینده غیر تو وپناه دهنده که نیست
مغيث سواك وجار لا جار سواك
پناه دهنده غیر تو وهمسایه که نیست همسایه غیر تو
خاب من كان جاره سواك ومغيثه
نومید شد آنکه بود همسایه او غیر تو وفریادرس او
سواك ومفزعه الى سواك ومهربه و
غیر تو وپناه بردن او بسوی غیر تو وگریختن او و
ملجاؤه الى غيرك ومنجاه من مخلوق
التجای او بسوی غیر تو ورستن او از مخلوقی
غيرك فانت ثقتي ورجائي ومفزعي
غیر تو پس تو اعتماد منی وامید منی وگریزگاه منی
وملجاي ومنجاي فبك استفتح و
وپناه منی پس بتو طلب میکنم گشایش و
بك استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه
بتو رستگاری میجویم وبمحمد وآل محمد رو میکنم
اليك واتوسل واتشفع فاسئلك
بتو وتوسل میجویم وشفاعت میجویم پس سوال میکنم ترا

يا الله يا الله يا الله فلك الحمد ولك
ای خدا ای خدا پس مر تراست حمد و مر تراست
الشكر وإليك المشتكى وأنت المستعان
شکر بتو شکایت نمودن و توئی مددخواسته
فأسألك يا الله يا الله يا الله بحق محمد
پس سؤال میکنم ترا ای خدا ای خدا بحق محمد
وآل محمد أن تصلي على محمد وآل
و آل محمد که رحمت فرستی بر محمد و آل
محمد وأن تكشف عني غمي وهمي وكربي
محمد و آنکه زایل کنی از من غم مرا و هم مرا و اندوه مرا
في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك همه
در مقام من این چنانکه زایل نمودی از پیغمبر تو اندوه او را
وغمه وكربه وكفيته هول عدوه
و غم او را و اندوه او را و دفع کردی از او شدت دشمنی او را
فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج عني
پس زایل کن از من چنانکه زایل کردی از او و بگشا از من
كما فرجت عنه واكفني كما كفيته
چنانکه گشادی از او و کفایت کن مرا چنانکه کفایت کردی
واصرف عني هول ما أخاف هوله
و بگردان از من هول آنچه میترسم از هول او

ومؤنة

ومؤنة ما أخاف مؤنته وهم ما أخاف
و مشقت آنچه میترسم از مشقت آن و اندوه آنچه میترسم
همه بلا مؤنة على نفسي من ذلك و
از اندوه آن بی رسیدن مشقتی بر نفس من از این و
اصرفني بقضاء حوائجي وكفاية
بگردان برآوردن حاجتهای من و دفع نمودن
ما أهمني همه من أمر آخرتي ودنياي
آنچه غمگین نماید مرا اندوه آن از امر آخرت من و دنیای من
يا أمير المؤمنين ويا أبا عبد الله عليكما
ای پادشاه گروندگان و ای ابا عبد الله بر شما
مني سلام الله أبدا ما بقي الليل و
از من سلام خدا همیشه مادام که باقی ماند شب و
النهار ولا جعله الله آخر العهد من
روز و نگرداند خدا آخر عهد را از
زيارتكما ولا فرق الله بيني
زیارت شما و جدائی نیندازد خدا میان من
وبينكما اللهم أحيني حياة محمد
و میان شما خداوندا زندگانی ده مرا زندگانی محمد
وذريته وأمتني مماتهم وتوفني
و فرزندان او و بمیران مرا مردنی ایشان و بمیران مرا

على ملتهم واحشرني في زمرتهم
بر ملت ایشان و برانگیز مرا در زمره ایشان
ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين أبدا
و جدا مینداز میان من و میان ایشان بقدر بهم زدن چشم هرگز
في الدنيا والآخرة يا أمير المؤمنين
در دنیا و آخرت ای پادشاه گروندگان
ويا أبا عبد الله أتيتكما زائرا و
و ای ابا عبد الله آمدم شما را زیارت کننده و
متوسلا إلى الله ربي وربكما ومتوجها
توسل جوینده بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما رو کننده
إليه بكما ومستشفعا بكما إلى
با و بشما و شفاعت جوینده بشما بسوی
الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فإن
خدا در حاجت من این پس شفاعت کنید مرا پس بدرستی که
لكما عند الله المقام المحمود والجاه
مر شما راست نزد خدا جایگاه ستوده و بزرگواری
الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة
نهایت و جایگاه بلند و وسیله
إني أنقلب عنكما منتظرا لتنجز الحاجة
که من بر میگردم از شما انتظار دارنده مر حصول حاجت را

وقضائها

وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما
و بر آوردن آن و روا شدن آن از خدا بدرخواست نمودن
لي إلى الله في ذلك فلا أخيب ولا يكون
مرا بسوی خدا در این پس نا امید نمیگردم و نه بازگشتی
منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون
بازگشت من بازگشتی با نومیدی و زیان بلکه هست
منقلبي منقلبا مفلحا منجحا مستجابا
بازگشت من بازگشتی پیروز رستگار اجابت کرده
لي بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي إلى
مرا بروا کردن همه حاجتهای من و درخواست کردن من
الله أنقلب على ما شاء الله ولا حول
خدا بازگشتی بر آنچه خواهد خدا و نه حولی
ولا قوة إلا بالله مفوضا أمري إلى الله
و نه قوتی مگر بخدا واگذارم کار خود را بسوی خدا
ملجئا ظهري إلى الله ومتوكلا على
اعتماد و تکیه دهم بسوی خدا و اعتماد کنم بر
الله وأقول حسبي الله وكفى وسمع الله
خدا و میگویم بس است خدا و کافیست و شنید خدا
لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكم
مر آنکه دعا کرد و نیست مرا غیر خدا و غیر شما

يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان
ای بزرگان من منتهی آنچه خواهد پروردگار من یافت شده
وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا
و آنچه نخواسته یافت نشده و نیست حول و نه
قوة إلا بالله أستودعكما الله ولا جعله
قوتی مگر بخدا امانت می سپارم شمارا بخدا و نگرداند
الله آخر العهد مني إليكما انصرفت
خدا آخر عهد از من بشما باز گردیدم
يا سيدي يا أمير المؤمنين ومولاي
ای آقای من ای پادشاه گروندگان و آقای من
وأنت يا أبا عبد الله يا سيدي وسلامي
و تو ای ابا عبد الله ای آقای من و سلام من
عليكما متصل ما اتصل الليل و
بر شما پیوسته ما دام که پیوسته شد شب و
النهار واصل ذلك إليكما غير محجوب
روز پیوسته آن بشما باز داشته شده
عنكما سلامي إن شاء الله وأسأله بحقكما
از شما درود من اگر خواهد خدا و در میخواهم از او بحق شما
أن يشاء ذلك ويفعل فإنه حميد مجيد
اگر خواهد این و بکند زیرا که او ستوده بزرگوار است

انقلبت

انقلبت يا سيدي عنكما تائبا حامدا
باز گردیدم ای آقای من از شما بازگشت سپاسگذار
لله شاكرا راجيا للإجابة غير آيس ولا
مر خدارا ستایش کننده امیدوار مر اجابت خدارا نه نا امید و نه
قانط آئبا عائدا راجعا إلى زيارتكما
نا امید رجوع نماینده عود نماینده باز گردنده بسوی زیارت شما
غير راغب عنكما ولا عن زيارتكما بل
نه رو گردان از شما و نه از زیارت شما بلکه
راجع عائد إن شاء الله ولا حول ولا
باز گردنده اگر خواهد خدا و نیست حولی و نه
قوة إلا بالله العلي العظيم يا سادتي
قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ ای آقایان من
رغبت إليكما وإلى زيارتكما بعد
خواهش نمودم بشما و بسوی زیارت شما بعد
أن زهد فيكما وفي زيارتكما أهل
از آنکه بی رغبتی نمودند در شما و در زیارت شما اهل
الدنيا فلا خيبني الله مما رجوت وما
دنیا پس نا امید نگرداند خدا از آنچه امید دارم و آنچه
أملت في زيارتكما إنه قريب [illegible]
آرزو دارم در زیارت شما که او [illegible] اجابت [illegible]



